

کریکاران
و پاره همه تنگشان
به گ گرن

ایران کا کابل

کارگران
و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان کربلای خیر

Iranische Bibliothek in Hannover

بهار ۵۰ ریال

اسفند ۱۳۶۳

خبره جدید سال سوم - شماره ۲۷

☆ سرمقاله

**مذاکره
بدون قید و شرط
ضرورت قطع
درگیریهای حزب و کومه له**

در هفته های آخر اسفند ماه، درگیری های حزب دمکرات و کومه له یکبار دیگر شدت گرفت و در منطقه بانه به یک جنگ تمام عیار بین پیشرگان دو طرف منجر گردید. این درگیری که منجر به شهادت دهها نفر از پیشرگان دو طرف گردید، یکبار دیگر آشکار ساخت که بحران موجود در روابط حزب دمکرات و کومه له بدون برخورد مستقیم با اختلافات دو نیرو از سوی حزب دمکرات و کومه له، روز به روز تشدید گردیده و منجر

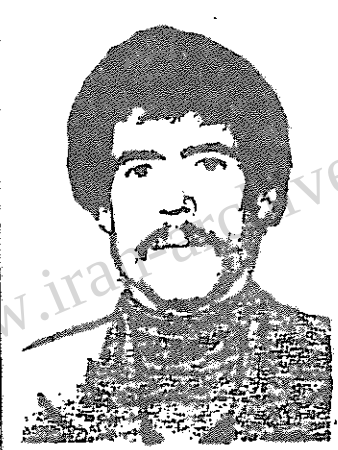
در صفحه ۲

بهار

کارگران و زحمتکشان

خجسته باد

در صفحه ۳



شهرت جناسی
پیشرگان فدائیی در
مطبخه سنبل

• طی این شهرت جناسی پیشرگان فدائی رفته

☆ **احمد محمدی**

و

☆ **محمد رضوی**

فرمانده جان باختند!

فدائی شهید رفیق احمد محمدی

در صفحه ۵

فرهنگ و نشاط

* به مناسبت
یکصد و چهارمین سالگرد

کمون

* اخباری از
جنبش مقاومت
توده های

بمباران گسترده شهرهای ایران و عراق

جلوه ای از ماهیت ارتجاعی جنگ و بن بست آن!

از کارگران و زحمتکشان هر دو کشور را در کام خود فرو بلعید و بخش اعظم اهالی حتمی دور افتاده ترین شهرها را نیز

در صفحه ۲

جنگ ایران و عراق در یک ماه اخیر وارد مرحله جدیدی گشت. ابعاد جنایات این جنگ از جبهه های رسمی جنگ بسیار فراتر رفت و در بمباران شهرهای دو کشور زندگی تعداد کثیری

روز همبستگی جهانی زن

کربلای خیر

هه هه و هه میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه پیه

مذاکره

از صفحه ۱۱

به درگیری‌های بزرگ تری در میان سراسری کردستان خواهد گردید. و از حد این یا آن منطقه فراتر خواهد رفت و ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت.

نبردیدی در این واقعیت وجود ندارد که درگیری‌های حزب دمکرات و کومه له که امروز مستقماً در جهت فرمایش توان وائزین جنبش انقلابی خلقی کرد عمل می‌نمایند و عملاً در خدمت اهداف خود انقلاب قرار دارند، با گذشت زمان ابعاد فاجعه بار خود را بیش از پیش آشکار ساخته و چیزی که مبارزه قهرمانانه خلق کرد در طول شش سال گذشته را هر چه بیشتر مخدوش می‌سازند. و اصول و دستاوردهای دمکراتیک و انقلابی آن را هر روز بیشتر از روز پیش زیر پا گذارده، پلیمان می‌کنند.

سیر عمومی حوادث و شتاب روزنی این درگیری‌ها آشکار می‌سازد که جنبش انقلابی خلق کرد می‌باید متکبر درگیری‌های به مراتب خونین تر از درگیری پانسه در آینده باشد و هم‌اینکه به جرات می‌توان گفت هیچگونه تضمینی برای سیر سیر حوادث وجود ندارد، بلکه خلا و نظراً زمینه درگیری‌های گسترده تر در جریان همین درگیری اخیر از سوی طرفین درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له، کاملاً فراهم گردیده است. و درگیری پانسه در حقیقت در فقدان یک برخورد اصولی از سوی طرفین، طعمه‌ای است برای درگیری‌های خونین تر آینده.

امروز دیگر هیچ کس و هیچ نیروی انقلابی پوشیده نیست که هر چه سریع‌تر باید به وضعیت کنونی و درگیری‌های حزب دمکرات و کومه له پایان داده و برخورد‌های سیاسی جایگزین هر گونه تهدیدهای نظامی و فتوحات ضخم‌مانه این یا آن نیرو در

حیطه به پیشمرگان طرف مقابل گذرد. این ضرورت از ضایع جنبش و چشم اندازهای واقعی رشد و ارتقاء آن ناشی می‌گردد، نه از ضایع این یا آن نیروی سیاسی، ضرورتی که باید پاسخ صریح و روشن به آن داده شود. باید از هرگونه تلاش ضرور و هر گام عطفی در زمینه پایان دادن به این درگیری‌ها استقبال نمود، و به عنوان یک وظیفه انقلابی و تخطی ناپذیر برای کلیه نیروهای انقلابی به آن نگریست. وظیفه‌ای که می‌باید در جریان برخورد عطفی و مشخص با واقعیت این درگیری‌ها و ارائه راه حل مشخص و حرکت در جهت تحقق بخشیدن به این هدف تجلی یابد. هر نیروی انقلابی که چنین وظیفه‌ای را در قبال این درگیری‌ها و ضرورت پایان بخشیدن به آنها بر روش خود احسان می‌کند باید از پرداختن به هرگونه پیروای غیر ضروری و برخورد‌های غیر صریح و غیر ضرور خودداری نموده، و به هیچ قیسی بر واقعیت این درگیری‌ها پورده سانس نیندازد. بدون تردید هیچ کس نمی‌تواند فکر واقعیت‌های موجود سیاست‌های دو نیروی درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له گردد. سیاست‌های حزب و کومه له در واقع امر دو روی یک سکه است و هم‌بطن سیاست‌ها نیز هستند که در روند خود به درگیری‌های حاضر صوفی داده شده اند. همانطور که هیچ کس نمی‌تواند اختلافات موجود بین این دو نیرو یا هر کدام از آنها یا هر نیروی دیگری را نیز نادیده انگارد. ولی هیچکدام از این واقعیت‌ها نمی‌تواند مستحکمی برای توجیه این یا آن حرکت مشخص هر کدام از دو نیرو در تداوم این درگیری‌ها قرار گیرد و یا عملاً به پوشش و توجیهی برای مخدوش نمودن اصل قضیه بدل گردد، که همانا قطع فوری این درگیری‌ها و حرکت در جهت یافتن یک راه حل سیاسی برای اختلافات فی‌مابین دو نیرو می‌باشد.

ضرورت عاجل کنونی، قطع فوری این درگیری‌ها، برقراری آتش‌بس و اعلام آمادگی برای

مذاکره بین دو نیروی درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له است. و هر نیرویی با هر دست‌آویزی که بخواهد از این ضرورت طفره ببرد، عملاً صفتی نامیابانی-های ناشی از ادامه خونین و زیانبار درگیری‌های کنونی است و از سوی کلیه نیروهای انقلابی باید تحت شدیدترین برخوردها و فشارهای سیاسی قرار گیرد. هر نیرویی که در حال جنبش انقلابی نه تنها خلق کرد، بلکه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران احسان مسئولیت می‌کند، وظیفه دارد که با سیاست‌های غیر اصولی‌ای که عملاً تداوم این درگیری‌ها را میسر می‌سازد، برخورد جدی و مسئولانه نماید.

از همین نقطه نظر نیز هست که سیاست‌های حزب دمکرات در برخورد به عواقب درگیری‌های کنونی یکی از عوامل مهم تداوم این درگیری‌هاست. حزب دمکرات در شرایطی که کومه له از مدت‌ها پیش طرح ساخته است که آماده است مسائل خود با حزب دمکرات را از طریق سیاسی و بر بنیان توافق‌های فی‌مابین حل نماید، در طول این مدت علاوه بر آن که حاضر به هیچگونه مذاکره‌ای نشده است، اخیراً نیز با اعلام پیش شرط‌هایی برای مذاکره با کومه له، عملاً آشکار ساخته است که حاضر به آتش‌بس و پایان دادن به این درگیری‌ها نیست.

حزب دمکرات با درخواست برگردن نقطه نظرات و تحلیل‌های سازمانی یک نیروی معین سیاسی بعنوان پیش شرط مذاکره خود با کومه له به جای ارائه راه حل، هرگونه راه حلی را با بن بست مواجه ساخته است. مهم نیست که شرط حزب دمکرات چه باشد و از کدام نیروی سیاسی آنرا بخواهد، چرا که در واقعیت امر، این گونه شرط و شروطها نقض هرگونه حق دمکراتیک برای بیان عقاید و آزادی تبلیغات سیاسی است. ما در اینجا کاری به تحلیل‌های کومه له از حزب دمکرات یا مقابله تحلیل‌های حزب دمکرات از کومه له نداریم. بررسی این مسائل جایگاه خود را دارد، و حل چنین اختلافاتی نیز



بهار کارگران و زحمتکشانشان

از صفحه ۱

با فرا رسیدن بهار، یکبار دیگر زندگی در رنگ و بوی خاک و جوانه می زند. رشد می کند، بارور می شود و سریر خاک می ماید و تفهیم مکرر تاریخ و طبیعت با درگونی شکفتن خویش با چهره بشاش بهار به صحنه می آید و مسیر همگامی خود را با تنهات بدیع خود پشت سر می گذارد.

بهار در کردستان انقلابی نیز همچون همه جای صحن فقر زده و خونین، یکبار دیگر جلوه نهی بر زندگی می بخشد. و یکبار دیگر همچون شش سال خونین گذشته فعل جدیدی را باز می گشاید، فعل جدیدی از کار و تلاش زحمتکشانش خلق کرد. بهمنشان بخشی از زندگی آنها - و تنها آن بخشی از زندگی آنها که به مبارزات نیروهای طبیعت برای تهیه مایحتاج اولیه زندگی آنها مربوط می شود - اما آنچه که مفهوم و معنای زندگی کارگران و زحمتکشانش خلق کرد را تشکیل میدهد، مبارزه آنها علیه طبیعت نیست. بلکه مبارزه بی اتان آنها در عرصه مناسبات اجتماعی حاکم و برای تغییر آن و ایجاد جامعه ای دگرگون و انقلابی است که در طول پیش از پنج سال گذشته و در سخت ترین شرایط و در نبردهای عظیم این خلق قهرمان و در مقابله با یکی از دردمندترین رژیم های تاریخ با قدرت و ولایت آهنین خود به پیش برده شده است.

خلق کرد همچون دیگر خلقهای تحت ستم ایران در طول تمامی دوران حیات رژیم جمهوری اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن اولین رژیم مورد پرورش و تعمید آن بوده و هست. رژیم جمهوری -

اسلامی در نوروز سال ۵۸ در حالی که هنوز اندکی پیش از یک ماه از حاکمیتش نمی گذشت حمله به کردستان قهرمان را آغاز کرد و جنگ خونین سنج را به توده های زحمتکش خلق کرد تحمیل نمود. همانطور که بلافاصله و در جریان تلاش برای پایان دادن به جنگ خونین سنج حمله به ترکمن صحرا و سوراخهای دهقانان زحمتکش خلق ترکمن را نیز آغاز کرد و از آن روزها تا کنون در طی چند سال حکومت ارتجاعی خود، جنبش خلق عرب و جنبش خلق ترکمن را کاملاً به خون کشیده است و تنها در کردستان انقلابی است که با نتیجه به سمت های مبارزاتی و تجربه عظمی این جنبش عظیم بود. ای توانسته - است به اهداف، روگسترانده خود دست یابد.

به همین دلیل، نیز نوروز هر سال، یاد آور نخستین نوروز خونین خلق کرد و نبردهای خونین تر بعد از آن بویژه نوروز ۵۸ است که در طی ماههای بعد از آن بسیاری از شهرهای کردستان با همها نزد بهاران و کشتار مزدوران رژیم قسار داشتند و هزاران نفر از اهالی آنها به شهادت رسیدند. اما تا زمانی که نیروهای انقلابی خلق کرد تصمیم به ترک شهرها نگرفتند، همچنان در شهرها باقی ماندند و یکبارچه در مقابل رژیم استبدادی نمودند. عجزی که تجلی آن در آزادسازی جنبش انقلابی خلق کرد و در قدرت درونی آن متبلور گشته است و تداوم و تحرک روز افزون جنبش انقلابی خلق کرد بدین تدریج، حصول این مقاومت ها و مقابله های خونین با سرکشیگران خلق کرد بوده و هست.

بهار واقعی خلق کرد زمانی فرا خواهد رسید که رهائی از قید و بند ستم ملی و بومی نظامات قبیله و ستمانی تحقق یافته و کارگران و زحمتکشانش خلق کرد به صورت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و تعیین راه و مسیر آینده حرکت اجتماعی خود دست یافته باشند. امری که ضمن امای مبارزه انقلابی - دگرگونی کنونی کارگران و زحمتکشانش خلق کرد را تشکیل میدهد. هم از این رو نیز خلق کرد هر سال با انتیقای به استقبال سال نو می شتابد و بهار نو را با ایلان به رهائی خویش به آرزو ها و آمال خود پیوند می زند. برای خلق کرد بهار امسال نیز همچون بهاران گذشته، آغازی نو برای مقابله با تمامی دشواری های مبارزه کنونی است. سال نو صلحا می باید با آموزش از تحویات گذشته، آغازی نو برای پیشبرد هر چه قدرتمند مبارزه انقلابی خلق کرد در تمامی ابعاد آن باشد. مایه که بدین تدریج با توجه به اوضاع کنونی مبارزه خلق کرد، سال تحولات اساسی در درون آن خواهد بود.

با آغاز سال نو، جنبش انقلابی خلق کرد، یک سال دیگر از مبارزه و تلاش همه جانبه ای را در تمامی عرصه ها پشت سر می گذارد. یک سال مبارزه علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم در تمامی زمینه ها، یک سال مقابله قهرمانانه با یورش های متعدد رژیم، یک سال حملات پی در پی و گسترده بر تمامی ارگان نیروهای سرکشی رژیم در کردستان.

در طول یک سال گذشته علیرغم محدودیت مناطق آزاد،

پژار

پیشمرگان خلق کرد علاوه بر
مقابله با یورش‌های مبعانه رژیم
جنگ پارتیزانی گسترده‌ای را در
سراسر کردستان سازمان داده و
به پیش برده اند، جنگی که
حتی خود جلادان رژیم را نیز
به پذیرش شکست تلاش‌های
خود وادار کرده است. در طول
یک سال گذشته پیشمرگان خلق
کرد بی وقفه به مبارک نظامی رژیم
در تمامی خاک کردستان حمله
مکرر و هر گونه آمایشی را از
مزدوران رژیم در کلیه پایگاه‌های
آن صلب نموده اند. این حملات
قهرمانانه که پایگاه‌های مستقر
در قلب شهرها تا اقصی نقاط
دور افتاده کردستان را در بر
گرفته است از گستردگی شگرفی
در یک سال گذشته برخوردار
شده است و یکی از نقاط قوت
اساسی جنبش انقلابی خلق کرد
در سازماندهی و به کارگیری
تاکتیک‌های پیشرفته جنگی محسوب
میکردد. در حقیقت سال ۶۳ سال
تحرک روز افزون پیشمرگان مسلح
خلق کرد بود که پایگاه‌های رژیم را
به زندان‌های سیاهی مملو
مزدوران آن بدل ساخته است.
حالی که غرض بی وقفه سلسله‌ای
پیشمرگان فریاد خلق کرد را در
سراسر کردستان بر سینه مزدوران
رژیم جمهوری اسلامی حمله
نموده است.

پیشمرگان قهرمان خلق کرد
تنها در طول ۹ ماه گذشته بیش
از ۱۵۴۴ مورد عطاات داشتند
که این مجموعه شایع حملات
پیشمرگان به پایگاه‌های رژیم،
مقابله با یورش‌های نظامی رژیم،
خلع سلاح پایگاه‌ها و غیره
می‌شود که در طی آنها بیش
از ۲۹۵۸ نفر از مزدوران رژیم
به هلاکت رسیده و با زخمی
شده اند، ۵۴۸ نفر از مزدوران
رژیم به اسارت درآمده اند. در
طول این عطیات بسیار
۱۴۲۵ قبضه سلاح انفجاری
و ۱۱۱ قبضه سلاح سنگین و نیمه
سنگین و بیش از ۲۲۵۰۰ عدد
فشنگ به غنیمت گرفته شده است.

علاوه بر ارتقا فوق تعداد زیادی
ابزار و ادوات جنگی و سلاح‌ها
و صدمات و بی‌سیم و انبساط
تاریک به دست پیشمرگان
افتاده است.

البته باید این واقعیت
را نیز در مورد آثار فوق در نظر
گرفت که درگیرهای اخیر حزب
دمکرات و گویا به در ماه‌های
گذشته پیوسته در سه ماه اخیر
تسلیات بسیار زیادی و پیوسته در
ماه گذشته پیوسته در سه ماه اخیر
پیشمرگان گذاشته و به مقصدار
قابل ملاحظه‌ای از تحرک واقعی
آنها گامه است. با این همه
تعدد عملیات گستردگی آنها
و سرعت ضربات وارده بر مزدوران
رژیم در کردستان موجب واقعیت
قدرت درونی این جنبش و به
همین لحاظ نیز برخورد مسئولان
با هدایت هدفمند و سازمان‌یافته
آن در سال آتی است.

جنبش انقلابی خلق کرد
علاوه بر مقابله مسلحانه در
سراسر یورش‌های رژیم و حمله
به پایگاه‌های رژیم و پیشبرد امر
مبارزه مسلحانه برای احقاق
حقوق خلق خود از ویژگی خاص
برخوردار است که آن هم ایجاد
توده ای و گسترده آن است که
بدون تردید مبارزه مسلحانه نیز
بر زمینه وجود چنین روحیه‌ای
در درون توده‌ها هر روز از
قدرتمندی و تحرک روز افزون تری
برخوردار می‌گردد. رژیم
جمهوری اسلامی نیز در طول
شش سال گذشته تمامی قدرت
و ساز و برگ خود را به کل
بسته است که بر این نقطه قوت
جنبش انقلابی - دگرگانی خلق کرد
خلیسی وارد سازد. وجود روحیه
انقلابی در میان وسیع‌ترین بخش
توده‌های زحمتکش کردستان و
مبارزه بی دریغ آنها در راه کسب
حق تعیین سرنوشت خود و حطیت
بی دریغ آنها از پیشمرگان خلق
کرد، همه آن چیزی که مورد
دشمنی مبعانه رژیم جمهوری
اسلامی در طول شش سال
گذشته بوده و هست و هدف
تمامی سیاست‌های ارتجاعی رژیم
از قبیل بشاران مناطق سکونی
شهرها و روستاها، سرپازگیری
اجباری، تسلیم اجباری، کوچ
اجباری و گشتار اهالی بی-
دفاع و زحمتکش شهرها

و روستاهای کردستان، محاصره
اقتصادی و دهها سیاست دیگر
رژیم را تشکیل می‌دهد. ولی
همانطور که واقعیت مبارزه
کنونی در طول شش سال گذشته
بیست و یک سال گذشته آشکار
ساخته است، رژیم جمهوری اسلامی
با تمامی تجهیزات نظامی و مالی
و انسانی خود هرگز نتوانسته است
و نخواهد توانست به اهداف خود
در کردستان انقلابی دست یابد.
خلیسی در اداره استوار خلیس
تسرد وارد آورد. خلق قهرمان
کرد همانطور که تا کنون تمامی
سیاست‌های ارتجاعی رژیم را به
ضد خود تبدیل ساخته و
تلاش‌های رژیم را در تمامی
زمین‌ها با شکست قطعی مواجه
ساخته است. مسلماً در یک سال آتی
نیز با اتحاد درونی خود و به
مبارزه بی امان علیه تمامی
سیاست‌های رژیم در کشور جمهوری اسلام
به پیروزی‌های جدیدی نائل
خواهند گردید و هر خود را به
نظامی تحولات آینده خواهد گوید
جنبش انقلابی خلق کرد امروز
قدرت و پتانسیل درونی بسیار
بالایی برخوردار گشته است
مردم‌های نویی را پیروای خود
گنوده است و به یک مرحله
جدیدی پای گذارده است که
ضرورتاً برخورد صریح و آگاهانه
به آن را اجتناب ناپذیر ساخته
و امر سازماندهی خرج قدرت
و هدفمند آنها در دستور رو
قرار داده است.

اما سال سال نو در شرایطی
آغاز می‌گردد که جنبش انقلابی
خلق کرد، علیرغم تمامی
دستاوردهائی که در زمینه‌های
مختلف داشته است در وضعیت
درونی خود با توجه به درگیری
های خونین و مکرر حزب دمکرات
و گویا به شاهد یک جنبش
جدال درونی و ضربات گاری به
پیکر خویش است. این درگیری
که موجب تضعیف جنبش را فراهم
می‌نماید و عشا ضرر و زیان -
های زیادی بر آن محسوب
می‌گردد، در عطف مورد نفوذ
و انزجار توده‌های خلق کرد
بوده، و عطا به خلاف صمیم
رو به رشد جنبش انقلابی خلق
کرد، حرکت می‌کنند. درگیرها
حزب دمکرات و گویا به دست نهاد
مقابل ضرورت‌های درونی جنبش
در صحنه

پیروزیان مبارزات ضد امپریالیستی - دگرگانی خلق‌های ایران

بیروحماسی بیشمرکان فدائی در منطقه سقز

همانطور که گفته شد در این درگیری نابرابر دو نفر از رفقای ارزنده ما یعنی رفیق احمد مصدق و رفیق کاظم تشکیلاتی ارزنده و پرتلاش شاخه کردستان که برای انجام مأموریت تشکیلاتی به اطراف شهر رفته بودند و نیز رفیق محمد رضوی (کاک وریا) بیشمرک دایم سازمان به شهادت رسیدند که در همین شماره به شرح گشاهی از زندگی مبارزاتی این قهرمانان راه رهایی کارگران و زحمتکشان و مبارزین آشنای ناپدید راه دهراسی و حویلیسم مبادرت ورزیم.

طبق اخبار رسیده در اواخر بهمن ماه گذشته طی درگیری نابرابر خونینی بین دسته‌ای از بیشمرکان فدائی با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی دو نفر از رفقای ما به شهادت رسیده‌اند. این درگیری که در روستای قلی آباد و کتلی در حوالی شهر سقز روی داده ۷ ساعت ادامه داشته است و طی آن تعدادی از مزدوران رژیم نیز به هلاکت رسیده‌اند که در شماره آینده رنگی گل ما مشروح این عظیمات قهرمانانه بیشمرکان صلحشور فدائی را درج خواهیم کرد.

☆ فدائی شهید رفیق احمد محمدی

شهادت رفیق احمد محمدی کنونیست یکم و پرتلاش و فرزنده دایم و پاکباخته کارگران و زحمتکشان خلق کرد، شاخه کردستان را با ضایعه‌ای جبران ناپذیر رو برو ساخت. به شهادت رفیق احمد تشکیلات ما یکی از پر شورترین و ارزنده ترین کادرهای خود را در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از دست داد. رفیق احمد به تناسی وجود خود تصمیم داده امنیت و ایمان خلق ناپذیر فدائیان خلق در تحقق بخشیدن به اهداف پرولتاریا بود. او از هیچگونه ایثار و از خود گذشتگی در راه آرمان‌های سازمانش دریغ نداشت، از هیچ خطری بی‌گناه نداشت، و تمامی لحظه‌های پر شکوه زندگی او را تحقیر تمامی مشکلات و مخاطرات یک مبارزه بی‌امان علیه مستعم و استثمار و محو ضایعات اجتماعی جتنی به برپایی انسان تشکیل می‌داد. رفیق احمد در تمامی دوران فعالانش چه در هنگامی که در تشکیلات شهر به فعالیت‌های مخفی اشتغال داشت و چه در دورانی که به دلیل شناخته شدن از سوی پلیس مجبور به ترک شهر و فعالیت در صفوف بیشمرکان فدائی خلق گردید و در مسئولیت‌ها و مأموریت‌های تشکیلاتی حماسی دیگر، هرگز از استقبال خطرات موجود در مأموریت‌های تشکیلاتی خود، تردیدی روا نداشت و به جرأت بتوان گفت تمامی لحظات زندگی او را استقبال بی‌شائبه و ضرورانه از چنین خطرانیستی

تشکیل می‌داد. ایمان به پیروزی قطعی در وجود او به عزم و اراده‌ای شکست ناپذیر تبدیل گشته بود. او تصمیم شور زندگی نین و تلبور تنظیم بود که خود از پیشکاران مبارزه در راه استقرار آن بود.

رفیق احمد که بیشترین مأموریت‌های تشکیلاتی اش را در پشت جبهه‌های دشمن تا کسوف با موفقیت به انجام رسانده بود طی آخرین مأموریت خود در اطراف شهر سقز به همراه دسته‌ای از بیشمرکان فدائی با مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی درگیر شد و قلب بزرگ و پرشور آماج گلوله‌های دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار گرفت، آتش باز ایستاد و خون گرمش سرزمین کردستان را گلین ساخت.

رفیق احمد با خلاقیت و ایمان خلق ناپذیرش به تحقق آرمان پرولتاریا و تلاش در جهت تحقق بخشیدن به آن و تلاش پیگیر خود صبر رشد و ارتقاء فطری را در پیجاری خود بازگشوده بود، او نه تنها در دوران زندگی سازمانی اش بلکه در تمامی طول حیات خود، در مبارزه با مشکلات متعدد محیط پیرامون خود آبدیده گشته بود. شخصیت او همچون تمامی کارگران قبل از همه محمول اعتبار ناپذیر مبارزه علیه فقر استثمار در جامعه سرمایه داری بخیران یک واقعیت همیشه حاضر زندگی خود، پیونده این واقعیت با عنصر آگاهی کنونیست. بود. امری که در روند زندگی مبارزاتی رفیق احمد او را از برجستگی‌های خاص برخوردار ساخته بود.

رفیق احمد زندگی پر در و رنج را پشت سر گذاشته بود

تا به آگاهی سوسیالیستی دست یابد. او در تکه‌های عمیق زندگی خود به آرمان پرولتاریا ایمان آورده بود. و این واقعیت تاثیر خود را در تمامی برخوردهای او برجای می‌گذاشت.

رفیق احمد که سال ۱۳۳۶ در شهر سقز متولد شد از همان اوان کودکی زندگی خود را با رنج و زحمت آغاز کرد. پدرش کارگر و مادرش زحمتکش پرکار و پرتلاش بود. او نیز برای جبران هزینه خانواده اش بزودی و از همان سنین کودکی اجباراً به کارگری پرداخت و از نزدیک فقر و گرسنگی را شناخت و از همینجا بود که کینه و نفرت او نسبت به دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان سر منشأ آگاهی و آزادگی اش گشت و توان او را در برخورد با مشکلات افزایش داد و صفت اندیشه او را برای ریشه‌یابی سائل و فائق آمدن بر آنها ارتقاء بخشید.

چنان که خود او در یادداشت‌هایش نوشته است: "توده‌ها وقتی که فقر را لمس می‌کنند، وقتی که علت این فقر و راه ناپودی آنها بیابند به صافه برای دیگرگونی این وضعیت روی می‌آورند"

رفیق احمد خود نمونه پیشکار همین توده‌ها بود، نقطه عزیمت اصلی او در طول تمام زندگی مبارزاتی اش همیشه و در همه حال کینه عمیق طبقاتی او نسبت به حاکمان نظام موجود بود. که او را به دیگرگونی وضعیت فلاکت‌بار کنونی رهنمون می‌گشت.

رفیق احمد در اولین فصل‌های جوانی پدر و چندی بعد مادرش را از دست داد. و از این بی‌باستی مسئولیتی به‌خیر

★ فدائی شهید رفیق محمد رضوی



رفیق محمد رضوی (کاه وریا) به‌شماره فدائی، فرزندی راستین زحمتکشان کردستان در سال ۱۳۴۸ در روستای عشق‌آباد از توابع شهر سنقر دیده به جهان گشود. او نیز مانند همه فرزندان زحمتکشان کردستان بدلیل فقر و تنگدستی خانواده از اوان کودکی با فقر و مشقت دست به گریبان بود. چهار سال پیشتر در سن نهمین سالگی به‌دلیل محدودیت مالی خانواده از تحصیل معلم در روستا از تحصیل محروم ماند و اولین رچه با آخرین درجه و روزنه اخذ هایش بسته شد. از آن پس بود که وریا بناچار برای جبران کمبودهای خانواده اش در همان روستای زادگاهش به کار پرداخت و خیرشهای نموده ای ۵۷ و سرانجام تمام پسین صادق با

دوران نوجوانی وریا بود. اکثر چه او از سن کمی برخوردار بود، لیکن بدلیل ابدیدگی اش در کوره رنج و کسارت و زحمت بسزوی از حشر مایه گرفت و به راه انقلاب رهنمون شد و در درون جنبش خلق کرد پس از قیام با کسب آگاهی و ارتقاء انگیزه های انقلابی اش به یک جلیغ کوشا در میان دهقانان زحمتکش کردستان بدل شد و با زبانی ساده و گشای به تبلیغ اعتدالی جنبش پرداخت.

رفیق با روحیه ای بالا و شور و انقلابی در سال ۶۰ به صفوف پیشمرگان انقلابی خلق کرد پیوست و تصمیم گرفت تا در میان پیشمرگان کومه که در عرصه ای بسازند و هر فصلی دیگر به صابزه علیه نظم صوچسور بپردازد. اما بدلیل سن کم او را برای ادامه فعالیتها به شهر فرستادند. اینبار نیز وریا وظیفه انقلابی خود را ادا کرد و در شهر برای کمینه به پیشمرانقلابی با سعی و تلاش در صفحه ۱۱

و بارزیت کمونیت قادر بسود و در هر جمعی اهتمام انقلابی افراد را در مدت کوتاهی به خود جلب نماید و به عنوان عامل محرکه عظیمی، هر گونه مأموریت تشکیلاتی را خیرین موفقیت سازد. او در حالیکه طلب سرخس از کهن و خشم طبقاتی اثبات شده بسود، در میان توده ها و رفقا پیش، در هر لحظه با روشی گشاده صوچ از شور و هیجان می آفرید. شهادت رفیق احمد چون خاطره های او و زندگی پویایش برای تمامی کسانی که او را می شناختند و با او زندگی و در یک سنگر مبارزه میکردند بر صحنای آموختنی بر جای گذارد.

اگر او و صرها رفیق فدائی امروز دیگر در میان نمانده اند، لیکن یاد و آرمان آنان به عنوان پرچم داران پاکبازان راه رهایی کارگران و رهبران راستین راه کمونسم در قلب بزرگ طبقه کارگر و توده های زحمتکش ایران جاودانه خواهد ماند. خاطره اش جاودان باد!

دیکتاتوری شاه با شور و اشتیاق وافر انقلابی به‌سراوه چندین تن از دوستانش ارتش را رهسار و به صفوف جنبش توده ای پیوست و از همان زمان تا لحظه شهادت یکدم و یک نفس از فعالیت باز نایستاد و زحمتکشی ناپسیر و بیگیر، طبقه دشمنان طبقاتی توده ها مبارزه برخاست.

رفیق احمد در بحبوحه قیام با شرکت در خلق سلاح بارگانه برای سرنگونی رژیم شاه در مقاومت سنجید علیه توطئه ارتش و پارتی جمهوری اسلامی و در تشکیلاتهای انقلابی و مبارزه مخفی در شهر ها و در صفوف پر افتخار سازمان ما مبارزه در سنگر مقدم مبارزه بود.

احمد یکی از پرکارترین و رفقای تشکیلات بود، او همواره با از خود گذشتگی، صداقت و دقت کمونیستی به مسائل و مسئولیتهاش برخورد می نمود و برای پیشبرد امر تشکیلات از خود فداکارانه ما به می گذاشت. او رفیق بی پیرایه و دقیق بود.

احمد با خصوصیات برجسته

★ فدائی شهید رفیق احمد محمدی

حسن تحصیل به کارگری نهی پرداخت. تا موفق به پایان دوره متوسطه تحصیل و اخذ مدرک دیپلم فنی گردید. و راهی نیروی هوایی شد. در این محیط قوانین خشک و اطاعت کورکورانه و قاصد طبقاتی که خود را بطور آشکار بسوز می داد با خلقیات رفیق احمد سازگار نبود، و او را واداشت تا بسزوی راه مقود را عنوض نماید. محیط ارتش را تیرک و به مسائل سیاسی روی آورد.

رفیق در آستان سال ۵۶ به مبارزی رفت و این درحالی بود که شناخت دقیق از صاف طبقاتی نیروی جامعه بدست آورده بود و به محض ورود به جمع مبارزان با تجارب گذشته که از سیستم ضد خلق ارتش داشت به افشگری پرداخت سرانجام با طغیان توده ها و صیقل بنیان کن آنان علیه

بمباران شهرهای...

از صفحه ۱

بی خانان و گواره ساخت و یکبار دیگر چهره ارتجاعی و ضد بشری این جنگ را هر چه بیشتر آشکار ساخت.

جنگ بین دولت ایران و عراق که از همان آغاز تنها هدف واقعی آنرا مطالبه با هر گونه تحرك انقلابی توده های کارگر و زحمتکش تشکیل میداد و خود بنسری برای به انحراف کشاندن اراده توده ها بود، تحت لوای سیاستهای توسعه طلبانه آغاز گشت و در طول یک پروسه نپایان در یک سال گذشته در توازن نیروی طرفین، به یک مرحله فرسایشی پای گذاشت.

واقعیت این است که نه رژیم جمهوری اسلامی که با سرافرازنداختن اصواج انسانی توانست نیروهای رژیم عراق را از ایران بیرون نموده و با آنکه به همین تأکید نیز حملات نا فرجایی را به داخل خاک عراق سازماندهی کند، و نه دولت عراق علیرغم تمام نیروهای اولیه خود را انفعال بخشی از خاک ایران، هیچکدام در یک سال گذشته قدرت آنرا که دیگری را از پای آورند یا حمله منوشت سازی را آغاز نمایند، نداشتند. به همین دلیل نیز در نتیجه توازن ایجاد شده در جبهه های جنگ و عدم توانایی طرفین در وارد آوردن ضربه نهائی و شکستن بن بست جنگ، عرصه جنگ به پشت جبهه های رسمی آن کشیده شد، که مهم ترین عرصه آنرا در چند ماه گذشته، حمله به تأسیسات نفتی و کشتی های نفتکش در خلیج فارس تشکیل می داد. دولت عراق با اتکال به تفوق هوایی خود برای از میان بردن منابع درآمدی نفتی رژیم جمهوری اسلامی بر ابعاد این مقدمات هر روز بیشتر از روز پیش افزوده است. اما داضه حملات هوایی دولت عراق در هفته های اخیر مفسد ماه، بسیار فزاینده رفت و ابعاد جنایتکارانه ای به خود گرفت و اکثر شهرهای ایران را در مقایسه وسیعی در بر گرفت که مناسب با آن رژیم جمهوری

اسلامی نیز دست به بمباران مبعانه مناطق مسکونی و شهرهای عراق زد. این سابقه کشتار مبعانه دولت های ایران و عراق که تا کنون بیش از هفتاد شهر ایران و عراق را در بر گرفته است، هنوز ادامه دارد.

در طول بمباران های اخیر برخی از شهرهای ایران حتی دو بار و سه بار ضوایی بمباران شدند، همچنین علاوه بر شهرهای مرکزی و شمالی برای چندین بار، اکثر شهرهای کردستان انقلابی نیز همچون دهکات قیل و سالهای گذشته به سرانه ای تبدیل گشتند. ایران نیز متقابلاً به گلوله باران و بمباران شهرهای عراق دست زد. ابعاد این بمبارانها و مواقت جنایتکار آنها علاوه بر آنکه ماهیت این جنگ را هر چه بیشتر آشکار ساخت و ضرورت پایان دادن به آنرا که امروز مستقیماً به حیات رژیم جمهوری اسلامی و سیاست توسعه طلبانه آن گره خورده است، بیش از پیش به یک امر عاجل و سرور توده های زحمتکش تبدیل ساخت.

البته رژیم جمهوری اسلامی با اتکال به وسیع نیرو و راه انداختن اصواج انسانی خود، برای قدرت نظامی در مقابله با حاکمات هوایی عراق دست به حمله جدیدی نیز زد، تا شاید بتواند به پیروزی ای ناآل آید، بدین وسیله بر تبلیغات گسترده خود بیفزاید. اصلاً برورش رژیم به داخل خاک عراق با شکست فتنه خانه ای روبرو گشت که طبعی آن بیش از سی هزار نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان ایران قربانی طامع ارتجاعی رژیم گشتند.

مواقب و محنتات این حمله چنان وسعتی داشت که رژیم جمهوری اسلامی قادر نشد حتی از کوچک ترین پیروزی بر این حمله سخن بگوید و حول آن تبلیغات نماید و از این طریق به تشدید فضای ناامنی از بمبارانها پرداخته، بسج نیرو نماید. در حقیقت حمله اخیر، آخرین پتانسیل بسیج نیروی رژیم را علاوه بر آن که آشکار ساخت، با شکست نیز مواجه ساخت. شکستی که سرمداران رژیم نیز قادر به سکوت در مقابل آن نیستند.

آنچه که مسلم است، در طول یک سال گذشته هر دو طرف بدون

تدرید در صدور تجمید قوا برای حملات عرجه گسترده بشر بودند، رژیم عراقی برای تقویت نیروهای خود، دست به خریبه و تهیه پیشرفته ترین سلاح ها زد و تلاش نمود با حمله به کشتی های نفتکش، رژیم جمهوری اسلامی را تحت محاصره اقتصادی برآورده و بدین وسیله موجبات ورشکستگی آنرا هر چه بیشتر فراهم نماید. از سوی دیگر در حملات «فتمانی» اخیر این ماه برای آن که حملات احتمالی رژیم جمهوری اسلامی را خنثی نماید، تلاش نمود با بمباران های وسیع هوایی جنگ را به پشت جبهه ها کشانده، علاوه بر لطمات و ضرباتی که بر منابع و مراکز اقتصادی و نظامی رژیم وارد می آورد، از طریق بران کردن بخش وسیعی از شهرهای ایران رژیم را دچار مشکلات عدیده ای در تمامی زمینه ها نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز با توجه به این واقعیت که لشکر آنکان به راد انداختن اصواج نیروی انسانی را همچون گذشته نداشت، در طول تمامی ماههای گذشته در مورد تهیه مقدمات پست حمله وسیع دیگر بود چرا که رژیم جمهوری اسلامی به پیروزی های هر از چندگاهی در جبهه ها برای تویب توده ها و سرانیدن توجه برای ادامه این جنگ ارتجاعی نیازمند است. به همین دلیل نیز در طول چند ماه گذشته فست در تلاش تهیه سلاح و تأمین نیروی انسانی برای چنین حمله ای بود. اما با شکست حمله اخیر و اطمینانهای جنگ آشکار ساخت که دیگر رژیم حتی آنکان بدست آوردن پیروزی های موقتی در این جنگ را از دست داده است و این جنگ علیرغم تمام سر و صداهای یک ماهه اخیر و گشت و گشتارهای حمله از آن چه از طریق بمباران شهرها، چه در جبهه های جنگ به یک مرحله توازن متقابل و طبیعتاً فرسایشی گام گذارده است، نه دولت ایران و نه دولت عراق هیچیک را برای موفقیت و پیروزی در آن را ندارند.

توازن موجود بین نیروهای دولت های ایران و عراق و ناتوانی هر کدام از طرفین در به فرجام رساندن جنگ کسوتی بیانشگر بن بست قلمی این جنگ است و حملات هوایی طرفین و

بمباران ...

ادامه این جنگ و تاکید بر روی آن، هدفی جز ایجاد فضای مناسب برای سرکوب توده ها و تحمیل وضعیت فلاکتبار اقتصادی و اجتماعی حاکم ندارد. وضعیتی که جز فقر و فلاکت و بدبختی بر اکثریت توده های کارگر و زحمتکش جامعه ما ارفغان دیگری نداشته و ندارد و بر طول چند سال گذشته نیز هر گونه اعتراض به چنین وضعیتی یا شددترین سرکوب رژیم روپرو گردیده و با دست آویز قرار دادن جنگ با دولت عراق توجیه گفته است. جنگ در حقیقت حیلان شده است بر وضعیت رو به انفجار داخلی. جمهوری نیست که رژیم این همه برای ادامه ی آینده و بدون چشم انداز آن تاکتیک می نماید. و هر روز و در هر حمله ضدبوهانه ای دهها هزار نفر از فرزندان محروم ترین بخش های جامعه ایران را قربانی طامع ارتجاعی خود می نماید.

امروز اکثریت توده های زحمتکش بیش از پیش به ماهیت ارتجاعی این جنگ خانانوسوز پی برده اند. آنان بخصوص در یافته اند که رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی در هر لحظه از حیات تنگنای جز تشدید فقر و گرسنگی، جز تشدید آوارگی و هیت، جز کشتار و هراسی هیچ تیره ای برای آنان بهار نخواهد آورد. هر چه بیشتر پیش برده نیست که برای پاهایان بخشنیدن به این جنگ و مصائب آن راهی جز گسترش مبارزه برای سرنگونی کبیت این رژیم تبهکار در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران باقی نمانده است.

باید به افتراات روپرو افزایش توده های مردم علیه رژیم و جنگ آهنگ سریعتری بخشید و باید مبارزان این گوشت دم - سوپ رژیم های سرمایه داری و از حلقه رژیم جمهوری اسلامی تفکهای خود را به صحنه رژیم

حالات ضدبوهانه رضایی رژیم جمهوری اسلامی در حقیقت تاکید دیگری بر این بن بست در ماههای گذشته بود، این بن بست صلبا در سرزهای دو کشور نخواهد شکست چرا که هیچکدام از طرفین باوای چنین کاری را ندارند و در آینده نزدیک نیز با توجه به وضعیت بحرانی منطقه و توان و قدرت طرفین امکان اینکه یکی از دولتمندان ایران یا عراق بتواند تسوین موجود را درهم شکنند وجود ندارد. به همین لحاظ نیز تداوم این جنگ و تاکید بر ادامه دادن به آن از سوی رژیم ایران، نمیتواند به اعتقاد این رژیم به پیروزی در جبهه های جنگ تعبیر شود و چنین نیز نیست. رژیم ایران مثل پنج سال گذشته جنگ در مرزها را عمدتا برای نیل به هدفهای داخلی خود ادامه داده است. به همین دلیل نیز دیگر سرنویست این جنگ نه در جبهه های جنگ بلکه در تقابل خونین رژیم های هدایت کننده این جنگ با توده های زحمتکش و کشور رقم می خورد.

جوانه های جنبش قدرتمند توده ای ضد جنگ در ایران در ماه گذشته و در ایام وسیعی نمایان گشته است، زحمتکشان شهر های ایران در مقابل بمباران شهرها به تظاهرات علیه رژیم جمهوری اسلامی دست زده و شمار سرنگونی رژیم را طرح ساخته اند، این امر با انگ رشد و اعتلای جنبش توده ای و شکست تمامی ترفندهای جنگ طلبانه و ضدبوهانه رژیم در میان توده هاست. واقعیت این است که به هیچ طریق دیگری جز از طریق تبدیل این جنگ به یک جنگ تمام عیار داخلی علیه رژیم نمیتوان امروز در ایران از پایان جنگ سخن گفت. صلبا باید بطور قطع در میان توده ها این امر را به یک اراده قدرتمند تبدیل ساخت که تنها مقابله سرخشان آنها با رژیم جمهوری اسلامی با تمامی میانهای ارتجاعی و توسعه طلبانه آن است که می تواند به جنگ و کشت و کشتار های ناشی از آن پایان دهد.

رژیم جمهوری اسلامی در حقیقت با

نشانه روند. جنگ واقعی بین رژیم مترجع سرمایه داران درخش جمهوری اسلامی از یکسو، کارگران و عموم توده های زحمتکش از سوی دیگر در عرصه داخلی است. جایی که سرنویستنه تنها جنگ بلکه فقر و بدبختی و فلاکت حاکم بر جامعه نیز رقم می خورد. جنگ امروز وسیله ای و ضمیمه ای بر تکیه ارتجاعی سرکوب ارتجاعی رژیم است برای مقابله با خواست های بحق و انقلابی توده ها منی برای جاد تحولات انقلابی در سطح جامعه و تامین حقوق بدبختی خود. برای پایان دادن به جنگ، برای پایان دادن به فقر و فلاکت مسموم، برای پایان دادن به کشت و کشتار های سیهانه رژیم با تمامی قدرت باید در مقابل رژیم جمهوری اسلامی به مبارزه بی امان و قطعی برخاست.

گرامی سازی ...

از جامعه ۱۴

بدان باختند، تا پای جان به آسان سازمان وفادار، میمانیم. پیمان می بندیم تا همچون رفیق هادی در مبارزه بیپایه دشمنان طبقاتی تمامی سرجمعین و مارتنگاران طامع و بی رحم باشیم و انطور که بایستیم یک کمونیست انقلابی است یکدم از آرمان سرخ کارگران روگردان نبوده و در هر زمان و هر کجا از مدافعان فعال ضایع خیمه کارگرانیم.

یار و خاطره شکوهمند شهیدای اسفند ماه ۶۰ رفقاء نظام، کسظم (محمد رضا بهشتی)، عباس (مقرب شکراللهی)، امیر، چواد، حمید، خداساز و رفیق احمد غلامیان لنگسروزی در شیب پیروز خواهند یافت. ایران همیشه زنده



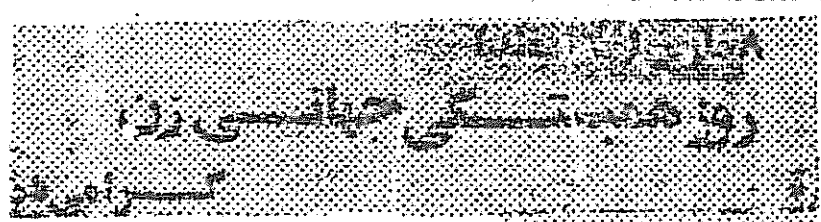
برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

ممکن در حق زنان ایران اعمال
میکردند.

اساساً ریشه تاریخی و
اجتماعی انقیاد زنان به جوامع
اولیه و مناسبات تولیدی حاکم
بر آنها بر میگردد. در آن جوامع
زنان بشدت در نقش خود را در
تولید و فعالیت اجتماعی از دست
داده و در چهارچوب خانسه
محصور مانده اند. در نظام
سرمایه داری این انقیاد در رابطه
با زنان کارگر و زحمتکش بسا
استثمار و جنسیتان نظام
سرمایه داری آمیخته شده و
مجموعاًستم منافع را بوجود
می آورد که طی آن زنان از یک سو
بعنوان کارگر به شدتترین و
استثمار می شوند و از سوی دیگر
بخاطر زن بودن از حقوق اجتماعی
محرومند.

تولید سرمایه داری که
صفتی بر بهره کشی از کارمندان
و استثمار کارگران است
با حفظ بقایای فرهنگ طباتر
جوامع پیش از خود در زمینه
بهره کشی هر چه بیشتر از کارگران
و زحمتکشان بسوی با این سیستم
مضامین بر زنان و اعمال آن
بر مبنای نابرابری جنسی
اشکار ساخته است که میوات دار
واقعی این جوامع بوده و هست.
مسئله تبعیض بر مبنای جنسیت
بین مرد و زن موله ای است که
به نخستین ادرار پیدایش جوامع
طبقاتی و بسویژه به دوران بعد از
تقسیم کار اولیه بر میگردد که
بر بنیان آن نشو و نما با توجه
به کارایی جسمی آن در تولید
تفوق کامل یافت و در تمامی
دوران موجودیت جامعه طبقاتی
این تفوق به انداز گوناگون حفظ
شده. حتی در ادیان و مذاهب
و فلسف و فرهنگ این جوامع
نیز بعنوان یک اصل بدیهی در
مقابل بی حق عمیق زنان به وجود
آورده شده و مورد تأکید
قرار گرفته است.

نظام سرمایه داری نه تنها
بنا به طبعیت خود در جهت
حل آن گام برداشته است بلکه
عملاً اعمال آنرا در اشکال
بیشتر و تری رسیت نیز بخشیده
است. این رسیت بخشیدن که
در حقیقت با توسل به فرهنگ و
ادیان خلق به دورانی ماقبل
در شرایط جدید توجیه میگردد
در عمل مفهومی بحر تشدید
استثمار و بهره کشی هر چه بیشتر



در راه رهایی از قید و بند بردگی
را سر دهند.

از آن هنگام تا کنون روز
جهانی زن همه ساله در بسیاری
از کشورهای جهان ازجمله
کشورهای سوسیالیستی و
سرمایه داری توسط نیروهای
شوقی و انقلابی جشن گرفته
میشود. در این روز زنان و مردان
مبارز، در صفی یکپارچه خود
بر ضرورت رهایی از یوغ
سرمایه داری که سرشاه تمامی
اشکال توحش و سرکوب، تحقیر
و بی حقوقی انسانها از جمله
زنان است ای می فشارند.

در ایران نیز همچون سایر
کشورهای جهان، هر ساله
این روز تاریخی چه در
محسوسات بهلوی و چه بعد از
قیام، توسط زنان انقلابی و نیروهای
شوقی جشن گرفته شده است. اما
امسال، در شرایطی این روز تاریخی
فرا رسید که جمهوری اسلامی
طی ۶ سال با پایمال کردن
ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک
توده ها توحش و سرکوبیت قرون
وسطائی حکومت را به اوج خود
رسانیده است.

روز جهانی زن در شرایطی
فرا رسید که زنان زحمتکش و
کارگر ایران علاوه بر شرایط
مشقت بار ناشی از ستم طبقاتی
در معرض وحشیانه ترین تعدیاتی
قرار دارند که از طریق رژیم
مذهبی جمهوری اسلامی با اعمال
سیاستها و قوانین ارتجاعی قرون
وسطائی بر آنها روا می شود
و موجودیت آنان را به شایبه
یک انسان به زیر سوال کشیده و
آنان را از کلیه حقوق انسانی و
اجتماعی محروم نموده است. در
رژیم جمهوری اسلامی زنان در
بی حقوقی و بی برتری
آنان نه تنها از هر گونه فعالیت
اجتماعی محرومند، بلکه بعنوان
یک موجود حقیر، آشکارا با
شدیدترین تبعیضات اجتماعی
را نیز تحمل نمایند.

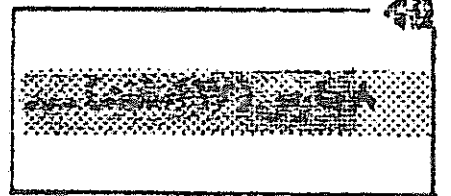
به این ترتیب ستم خلقی
که در کلیه جوامع سرمایه داری
نصبت به زنان روا می شود به
شدیدترین و آشکارترین شکل

هفدهم اسفند برابر با ۸ مارس
روز جهانی جهانی زنان
زحمتکش است. روزی که کارگران
و زحمتکشان و نیروهای انقلابی
در سراسر جهان با گرامیداشت
آن جهانی خود را با جنبش
زنان زحمتکش در مبارزه علیه
نابرابریهای اجتماعی و ستم
مضامینی که در جامعه سرمایه داری
بر آنها روا میگردد، اعلام میدارند.

هشتم مارس ۱۹۰۸، هفتاد و
هفت سال پیش، در چنین روزی،
هزاران تن از زنان کارگر و
زحمتکش صنایع شاجی و روزندگی
آمریکا در شهر نیویورک، ضمن
بر پا داشتن تظاهرات اعتراضی
عظیم، پایان بخشیدن به قوانین
وحشیانه ۱۲ ساعت کار روزانه برای
زنان، افزایش دستمزد، تقبیل
صالحات کار در هفته، بدست آوردن
حق رای و لغو کار کودکان را
خراتار گردیدند.

این تظاهرات با شکوه که
نقطه عطفی در تاریخ مبارزات
زنان برای کسب حقوق برابر
با مردان بشمار می آید،
نخستین جرقه ای بود که در تداوم
خود، منجر به تثبیت حق رای
برای زنان آمریکا گردید.
تظاهرات مذکور نه تنها در
آمریکا مورد حمایت هزاران زن
زحمتکش و مبارز دیگر قرار گرفت،
بلکه در سایر مناطق جهان نیز
صبح حمایت اعلام انبوه زنان
کارگر و مبارز را در پی داشت.

دو سال بعد یعنی در سال
۱۹۱۰ کنفرانس بین المللی زنان
به پیشنهاد انگلیسی کمونیست و
مبارز مشهور آلمانی کلارا زتکین
هشتم مارس را بعنوان روز جهانی
زن نامگذاری کرد. این نام گذاری
همچنین به پاس گرامیداشت مبارزات
زنان زحمتکش آمریکا و نیز برای
پشتیبانی از مبارزات کلیه زنان
زحمتکش و ستم دیده سراسر جهان
صورت گرفت. کنفرانس به تمامی
زنان جهان فراخوان داد تا هر ساله
در این روز جنبش جهانی
دارند و علیه پیداکریمپانی
که در جامعه سرمایه داری نصبت
به آنان روا می شود به خیابانها
بریزند و سرود اتحاد و مبارزه



را ندارد. جنبش دمکراتیک زنان در جوامع سرمایه داری برای محو نظام برودگی و دست یافتن به حقوق دمکراتیک همواره یکی از جنبشهای فعال بوده است. زنان کارگر و زحمتکشی در مبارزه خود دریافته اند که تحقق واقعی خواستها- یشان در گرو تامین وسیع ترین دمکراسی ها که با سرنگونی حاکمیت سرمایه داران ممکن خواهد شد قرار دارد. از همین رو مبارزات آنان در راستای مبارزه طبقاتی و در پیوند با مبارزه طبقه کارگر تا کنون به دستاوردهای بسیاری دست یافته است و با قربانیان زیاد و فداکاری هزاران زن انقلابی بسیاری از خواستهای خود را به دولتهای بورژوازی تحمیل کرده است.

در ایران نیز زنان کارگر در مبارزه علیه رژیم شاه به بسیاری از خواستهایشان دست یافته بودند. اگرچه این خواستها بسیار جزئی بود و رژیم شاه آنها را محدودتر از دیگر کشورها برصفت شناخت، لیکن بعد از سرنگونی آن نه تنها زنان به خواستهای واقعی خود نائل نگشتند، بلکه دستاوردهایی نیز که آنان طی مبارزات خود بدست آورده بودند پایمال گشت و در سایه حکومت بربریت و توحش قرون وسطایی از ابتدائی ترین حقوق محروم ماندند.

در ایران و سراسر جهان همواره زنان زحمتکش طبقه بعدالتهیای جنسی بر تبعیض جنسی به مبارزه پرداخته اند و نمونه های پرخشانی از مبارزه را برجای گذاشته و از نقش بازی در جنبشهای کارگری و توده ای برخوردار بوده اند. وجود شخصتهای برجسته ای از زنان انقلابی و کمونیست در رأس جنبشهای انقلابی در سراسر جهان و حضور پیشنهاد زنانه قهرمانی چون فداان خلق مرضیه احمد اسکویی، فاطمه فروزی و مجاهد شهید فاطمه امینی در صفوف جنبش صلحانه در دوران شاه و شرکت وسیع زنان زحمتکش از نخستین لحظات اوگیری مبارزات انقلابی توده ها

علیه رژیم پهلوی، مشارکت فعال زنان در عرصه های مختلف سیاسی پیر از قیام و در مبارزه سرسختانه کنونی علیه رژیم جمهوری اسلامی که بهشتیون ستم را نیز علیه زنان روا داشته، خود نشانگر وسعت و ابعاد تمامیت یافته مبارزات زنان است.

زنان در کردستان انقلابی نیز، علیرغم این که رژیم جمهوری اسلامی در طول ۶ سال گذشته هرگز نتوانسته است حاکمیت خود را بر آن اعمال کند، از وضعیت ویژه ای برخوردارند. زنان بعنوان نیمی از جامعه کردستان، هنوز بدلیل وجود بقایای نظامات قرون وسطایی در کردستان، بدلیل عقب ماندگی ناشی از ستم صلی، از ضائل و مشکلات عریضه خاص خود برخوردار بوده و هستند. وجود روابط عقب مانده و ستمهای همچون زن به زن که علیرغم اعلام رسمی منسوخ بودن آن از سوی کلیه نیروهای انقلابی هنوز این سوی و آن سوی وجود دارد، یکی از مواردی است که ابتدائی ترین حقوق نیمی از جامعه کردستان را زیر پا می گذارد، اما اگر این امر پست جنبه از واقعیت جامعه کردستان باشد که ناشی از همان حضور نظامات پوسیده و عقب مانده اجتماعی است باید با تأطعیت انسان داشت که جنبه بارز و اصلی حرکت همگی زنان آگاه کردستان شرکت فعال آنها در جنبش انقلابی خلق کرد در نظامی عرصه هاست. دفاع از حقوق دمکراتیک خلق کرد، مقاومت در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، تامین پشت جبهه و غیره تا شرکت فعالانه در مبارزه صلحانه خلق کرد از جلوه های بارز شرکت زنان در مبارزات کنونی کارگران و زحمتکشان خلق کرد است.

اما مبارزه پیرامون حقوق دمکراتیک زنان و محو ستمی که بر آنها روا می گردد تنها به خودشان خلاصه نمی شود. از وظایف کمونیستهاست که با تلاش آگاهگرانه خود در میان کارگران و کلیه زحمتکشان از هان عموم توده ها را از مسموم ارتجاعی فرهنگ طبقات متفرد و سالارانه حاکم پاک نموده و حمایت آنان را از حقوق و خواستهای دمکراتیک و انسانی زنان برانگیزند.

سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران با اعتقاد راسخ بر اینکه از میان بردن برودگی زنان بطور نهائی تنها در یک جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است، و اینکه هیچ دمکراسی بدون رفع تبعیضهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مورد زنان پایدار نخواهد ماند، بهین دلیل در برنامه عملی خود علاوه بر خواستها و اقدامات عمومی در یک جمهوری دمکراتیک و انقلابی تحقق خواستهای ویژه را در رابطه با زنان ضروری میدانند:

- حقوق اجتماعی برابر زنان با مردان و لغو هر گونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت
- شرکت آزادانه زنان در تمامی فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، تشریح طلاق یکجانبه تمدن زوجات و صیغه
- لغو مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم بر زنان است
- برخورداری از حقوق و مزایای کامل و مساوی با مردان در تمامی کارهای
- برخورداری از تسهیلاتی چون شهر خوارگاه، مهد کودک و حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار
- مصونیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور است
- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق یا برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

امسال روز جهانی زن چگونه برگزار شد ؟

امسال نیز چون همه سالهای گذشته در اکثر کشورهای جهان روز جهانی زن با عظمت و شکوه خاصی جشن گرفته شد. در کشورهای سوسیالیست که با سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم جهانی زنان تامین شده است و زنان به حقوق

زهرای جمهوری اسلامی خمینی را بعنوان روز زن پذیرفتند. سریم عضدانلو نیز پیام خود زیرگانه گفت: «در آستانه میلاد فاطمه زهرا (ع) خورشید تابان مجاهدت و رهائی روز جهانی زن را... گرامی میداریم». و حسابگرانه مجاهدین با روز جهانی زن یکبار دیگر ثابت می کنند که در جمهوری دموکراتیک اسلامی مجاهدین همانطور که بارها نیز در گذشته ها و نوشته هایشان طرح کرده اند، زنان حقوقی در حد جمهوری اسلامی امروز خواهند داشت.

زنان آگاه و مبارز ایران که ۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین شرعی آنرا تجربه کرده اند، اینک بخواهی میدانند که امامان مذهب هیچ نزدیکتی با آزادی زنان ندارند. یک حکومت مذهبی بنا به ماهیت خود دموکراتیک هرگز نمیتواند حقوق دموکراتیک نبوده ها از جمله آزادی زنان را مورد نظر داشته باشد. زنمان کارگر و زحمتکش ایران برای دستیابی به حقوق دموکراتیک خویش باید دوشیده و سرمدان زحمتکش برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه کنند. تنها در جمهوری دموکراتیک خلق زنان به حقوق اجتماعی برابر با مردان دست خواهند یافت.

۸ مارس روز جهانی زن برای تمامی زنان زحمتکش و کوشه زنان مبارز میهنمان که دوشادوش مردان و همزمان خود علیه بنیادهای پست و ارتجاعی سرمایه داری مبارزه کنندگرا می باشد!



و شهرتند درجه دوم برخوردار میکند، بجای ۸ مارس روز جهانی زن، روز تولد فاطمه زهرا را روز آن اعلام نمود و به همین مناسبت مراسم قرطایش با حضور تعدادی از زنان حزب الهی برپا کرد. در روز زن جمهوری اسلامی، خمینی مرتجع، خامنه ای مزدور و دیگر سران رژیم هر یک در پیامها و سخنرانیهای خود بار دیگر بر نظرات ارتجاعی و ضد انسانی خود در باره زن پسای فسرندند. خامنه ای مرتجع برابری زن و مرد را یک انبای باطل خواند و گفت که از دیدگاه اسلام دشوارترین و مهم ترین کاری که از زن برمی آید، وظیفه مادری است.

به این ترتیب سران جمهوری اسلامی افکار و اعتقادات ارتجاعی خود را در باره خانه نشین کردن زنان و محرومیت آنان از کسبه حقوق اجتماعی ابسارز داشتند. در این میان وضع سازمان مجاهدین خلق نسبت به روز جهانی زن بسیار قابل توجه بود.

سازمان مجاهدین خلق که همانند رژیم جمهوری اسلامی از برقراری یک حکومت مذهبی دفاع میکند، نه تنها سخت انتقادی جهانی برسخت شناختن روز ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن زیر پا گذاشت، بلکه پس اعتقادی خود را به حقوق اجتماعی زنان و از بین بردن قسمتی که بر آنان روا می شود، نشان داد.

آقای سمود رجوی و خانم سریم عضدانلو همردیف مشور اول سازمان مجاهدین خلق برای اولین بار پیامهای بدین تاریخی بنامیت روز زن دارند که در آن کوچکترین اشاره ای به ۸ مارس روز جهانی زن ننمودند. این قناروشکاری در مورد ذکر تاریخ پیام و نیز ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن بدون علت نیست. در حقیقت آنها بدین پیچیده و عواشیه و ریاکاری، همان روز تولد فاطمه

اجتماعی برابر با مردان دست یافته اند، و روحیه ای زن تعطیل رسمی اعلام شد و همسر مردم این کشورها با برگزاری کنفرانسهای فستیوالهای فیلم و نمایشگاههایی از شرکت زنان در امور اجتماعی با دادن گلد و هدایای دیگر به زنان، این روز را جشن گرفتند. در اکثر کشورهای سرمایه داری، مراسم و تظاهرات متعددی برگزار شد که در آن زنان کارگر و زحمتکش اعتراضات خود را به تضییقات اجتماعی و قسم دوگانه ای که بر آنها اعمال میشود نشان دادند.

در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، زنان آگاه و مبارز این کشورها همای اعتراض به نابرابری اجتماعی حقوق خویش با مردان، روز زن را به تظاهرات علیه رژیمهای حاکم بر این کشورها تبدیل کردند. زنان مبارز فلسطینی در روز جهانی زن، تظاهرات عظیمی علیه پیروشده دیکتاتور این کشور برپا داشتند. در فلیپین دهها هزار زن زحمتکش و مبارز فلیپینسی در خیابانهای پایتخت این کشور در اعتراض به هموم سیاستهای ارتجاعی دولت فلیپین، دست به تظاهرات گسترده زدند. زنان تظاهر کننده فلیپینسی همچنین خواستار از بین رفتن نابرابری حقوق اجتماعی موجود میان زنان و مردان شدند. زنان مکزیکی نیز در تظاهرات روز جهانی زن، سیاستهای تجارزگرا و استثمارگرانه امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی را محکوم کردند.

اما در کشور ایران که در حاکمیت جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود نیز محروم شده، نتوانستند این روز تاریخی را جشن بگیرند. رژیم جمهوری اسلامی که در سلب حقوق زنان و اعمال تضییقات گوناگون بر آنان، گوی سبقت از همه مرتجعین جهان رسیده است، رژیمی که حتی حقوق ابتدائی زنان را که به همه حکومتهای بورژوازی نیز تحصیل شده، از زنان سلب کرده، رژیمی که طبق احکام اسلامی اش مقام و منزلت زن را تا حد یک برده تقلیل داده و به آن بعنوان یک انسان ناقص العقل



هیچ جنبش حقیقی توده ای، بدون شرکت زنان، نمی تواند وجود داشته باشد

کمون پاریس

بضاییت
یکمرد و چهاردهمین
مالگر

اولین
حکومت
کارگری
جهان



از صفحه ۱

کمون در اولین اعلامیه -
های خود به عنوان یک برنامه
انحلال ارتش و تمام ارگانهای
سرکوب و سرکوبی را اعلام
داشتند و سرکوب ارتش مسلح
نمودند و ارگانهای سرکوب
تودمان در جلالت پاریس را به
عنوان یک برنامه قابل طرح و
عملی ساخت.

کمون تمامی اشتیاقات
معلق به وابستگی دولت و
سرورگرایی بورژوازی
را منسوخ اعلام نمود و برای
کلیه شهروندان دولتی حقوقی
برابر با حقوقی به کارگرها
مقرر داشت و لایحه تغییر و
تعمیم بودن نمایندگان در هر
سطحی را به اصل اولیه اعلام
نمود.

کمون با اعلام حدائشی
کامل دین از دولت را بر
خصوصی قلمداد نمودن آن و
آموزش مذهبی را از برنامههای
آموزش عصری مصادف حذف نمود
هرگونه دخالت کلیسا را در امور
دولتی منسوخ و کلیسا را به
عنوان تظلم کینه نظام
ظالمان بورژوازی افشا و
اسوال آنرا بفتح نموده و
مصادره نمود.

کمون به عنوان اقدامات
عاجل در بهبود زندگی کارگران
و زحمتکشان، جریمهای متعدد
سرمايه داران خست خوار را لغو
نمود، کمر نمودن بخشی از

اشغالگر، پای یک قرارداد صلح
را با دولت آلمان امضا نمود
در دفاع از سرمايه داران
و زمینداران مرتجع فرانسه
تفنگهای خود را به سوی جمهوری
پاریس برگرداند و (به ریاست کمیته)
به عنوان اولین هدف، خلع سلاح
کارگران مسلح پاریس را
در دستور کار خود قرار داد و
با اقدام به این کار چهاره
خاکین خود را هرچه بیشتر
آشکار ساخت.

توطئه بورژوازی برای
خلع سلاح کارگران پاریس به
بهانه پر گرفتن اموال دولتی،
یعنی توبهائی که در دست
گارد ملی بود با مقاومت و
مقابله کارگران در تپه های
"مون مونت" پاریس نقش
برآب شد و شهرازه نیروی
اعزامی بورژوازی در صراجه با
هزم آشکار گارد ملی ازهم
پاشید.

طبقه کارگر قهرمان پاریس
با مقاومت قهری خود در مقابل
خلع سلاح، بی درنگ راه قیام
را برگزید. خروار گارد ملی
پاریس را بهجا لرزاند و دولت
بورژوازی با زبونی و هزیمت
تمام به سوی ورشای گریخت.
پروولتاریای پاریس به از فرار
دولت "نمی پرس" که به دولت
خیانت ملی معروف بود و
فاجعانه برقراری کمون را
اعلام داشت.

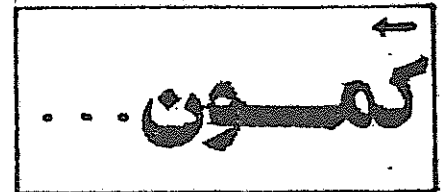
۲۷ اسفند برابر با ۱۸ مارس،
مادف با یکصد و چهاردهمین
مالگر تشکیل کمون پاریس،
نخستین حکومت کارگری جهان
است. روزی که پروولتاریای صلح
پاریس با درهم شکستن ارتش
ارتجاعی بورژوازی، پاریس را
فتح و با به افتراز در آوردن
هرچم سرخ کهن، برقراری
اولین حکومت کارگری جهان
را اعلام کرد. روزی پس از
و تاریخی که هزاره تاریخی پروولتاریا
و استثمارشدگان جهان آنرا
گرامی میدارند.

اعلام کمون پاریس در شرایطی
صوت گرفت که امپراطوری
فرانسه با شکست خفخانه ای
در تهاجم به سروس صواجه
گفته بود و با امارت لوئی -
ناپلئون، شهرازه امپراطوری
فرانسه از هم گسیخته بود.

کارگران و زحمتکشان فرانسه
بعد از امارت امپاتور برای
رهائی خود از شر صواجه
اجتماعی و فلاکت عمومی، با
یک قیام صلحانه کاخ سلطنتی و
اماکن دولتی را به اشغال
در آوردند، آنها امپراطوری
را ملغی و جمهوری را اعلام
داشتند. اما پس از اثر سطح
نازل آگاهی کارگران و توهم
نصبت به حزب جمهوری خواه،
بورژوازی مودنیانه قدرت را
حصب نمود و دولت دفاع ملی
را اعلام کرد.

دولت دفاع ملی برای پایان
بخشیدن به جنگ هیچ اقدامی
نکرد و تمامی هم خود را
صرف مبارزعه های سرکشی
انقلاب نمود. قبل جنگ
همچنان زندگی کارگران و
زحمتکشان هر دو کشور را به
تاهی می کشاند. ارتش
آلمان از مرزهای خاک فرانسه
گذشته و خود را به پیشست
در وازه های شهر پاریس رسانده
بود. پروولتاریای قهرمان
پاریس که غلبان خشم آن مردم
رو به فزونی گذارده بود در برابر
بی کفایتی مقامات دولتی، برای
دفاع قاطعانه از پاریس با
صلح ساختن هزاران نفر و
گارد ملی را تشکیل داد.

دولت به اصطلاح دفاع ملی
بورژوازی که اداه جنگ و نشدید
بحران داخلی را به منزله پایان
حکومت خود قلمداد نموده
به جای مقابله با نیروهای



درست‌تر کارگران، بهمن‌شماران
اندوخته‌های برای دوران پیری
را طاقی کرد، دیون زحمت‌کشان
به بانکها را لغو نمود و
استرداد و بیمه‌های آنها را
از بانکهای رهنی و قرضه
اعلام داشت، کارخانه کارگران
نانوائی را موضوع اعلام نمود و
بدین وسیله ساعات کار آنها را
محدود ساخت.

کمون فرمان ضبط و محاصره
کارخانه‌های سرمایه داران فراری
را اعلام و تحصیل آنها به
تعاونیه‌های کارگری را مقصد
ساخت، بدین وسیله اولین
تعاونیه‌های کارگری و کنترل بر
تولید و توزیع را به وجود
آورد.

با استقرار کمون شور و
شرف زاید الصفتی تمامی
نقاط پاریس را فرا گرفت.
پاریس کمون که سالها تجربه
صیادت چهارولگران و استثمار
گران را پشت سر گذاشته بود
و در فقر و تنهایی غوطه
بود، هم اینک حیاتی دوباره
یافته بود.

کمون در مدت بسیار کوتاه
و با سرعتی خارق‌العاده بنا
اقدامات فکری و تحول بخش
خود چهره پاریس را درگون
ساخت ولی با تمامی نقاط
قوت خود دچار اشتباهاتی
گشت که تمامی تلاشهای
ارزشمندش را با ناکامی مواجه
ساخت.

کمون علیرغم برجسته
بساط دولت بورژوازی، با دادن
امکان فرار به آنان
و با سازماندهی نکردن حلقه
صریح علیه بورژوازی این فرصت
را به او داد تا در خیابان از
پاریس برای نابودی کمون تدارک
ببیند. چرا که کمون بهمن‌شماران
تجلی حکومت طبقاتی کارگران
نمی‌توانست بهیم و هراس بورژوازی
را برانگیزد و مورد خشم و
ضرب آن قرار نگیرد.

یکی از اساسی‌ترین
اشتباهات کمون این بود که
بلادرنگ کلیت ماشین دولتی
بورژوازی را در هم نگیخت و
خرد نکرد و صیادت قهرش
را علیه بورژوازی بطور کامل
امصال نمود و خود را در پاریس
محدود ساخت و دولت
بورژوازی را سرعاً تعقیب
نمود و به او امکان تجدید
قوت خود را در ورشای داد.
این اشتباه از یکطرف ناشی از
تعمق نیاقتگی قدرت انقلابی
کمون و از طرف دیگر نفوذ
جریان‌های خرد بورژوازی چون
پرووینستها در کمون نبود،
هائیهایی که بنا به دیدگاههای
انحرافی خود عاجز از درک
قانونمندیهای مبارزه طبقاتی
بوده و با عدم درک ضرورت
برخی اقدامات عاجل عملاً
فرصتهایی را برای تجمع دوباره
نیروی در اختیار بورژوازی قرار
دادند.

کمون بانک فرانسه را که
تمامی موجودی دولت در آن
قرار داشت ملی اعلام نمود
و یک کنترل و حمانرسی دقیق
را بر امور مالی وضع نمود.
همین امر باعث شد تمامی
بورژوازی با اتکا به منابع مالی
خود و تجهیز نیرو، خود را
برای سرکشی پاریس آماده نماید.

کمون همچنین برای اتحاد
سراسری کارگران و زحمتکشان
فرانسه اقدام جدی به عمل نیامد
و مبارزه خود را در پهنه
فرانسه گسترش نداد. اتکا به
اکثریت عظیم توده‌های فرانسه
قطعا پایه‌های کمون را مستحکم
نی نمود و توانایی کمون را در
رفع حلات بورژوازی افزایش می‌داد.

اما کمون علیرغم اینها و
عصر کوتاه خود به عنوان پیششار
انقلابات کارگری در سبای پرارزشی
را از خود برجای گذارد.
در سبائی که در تدوین تئوری
مارکسیستی دولت و دیکتاتوری
پرولتاریا به مثابه یک شکل حاکمیت
سیاسی-طبقاتی پرولتاریا بسیار
موثر واقع گشت، در سبایی که تا
امروز پس از گذشت یکصد و چهاره
سال از برقراری کمون، هنوز
حقیقت تاریخی خود را حفظ
نموده و نه تنها چون ستاره‌ای

درخشان پرتو افکن مبارزات
طبقه کارگر جهانی بود، بلکه
توسط انقلابات پرورزشی
سوسیالیستی بر آنها مبرر تایید
خورده و تا محو کامل طبقات و
نابودی کامل زنجیرهای اسارت
و بندگی همواره راهنمای
مبارزات کارگران سراسر جهان
خواهد بود.

کمون با تمامی نقاط قوت
خود به دلایل متعدد عینی از
حلقه رشد نیاقتگی سرمایه‌داری
فرانسه و ناتوانی در جذب
اکثریت جامعه آن روز فرانسه
بعد از ۷۲ روز حکومت
قهرمانانه در میدان نبرد
طبقاتی از پای درآمد، اما
آنچه را که کمون در قلب تاریخ
جامعه بشری برای اولین بار
ثبت نمود و مهر طبقاتی
پرولتاریا را بر پیشانی داشت
جاودانه گشت.

روز ۲۱ آوریل ارتشیان دولت
ورشای که اکثریت آنان را اسیران
جنگی آزاد شده توسط آلمان
تشکیل می‌داد به پاریس پیروز
آوردند. طبقه کارگر قهرمان
برای دفاع از موجودیت کمون
بعدت یک هفته به محاصره رودروی
با بورژوازی و صدها هزارتن
از ارتشیان آن پرداخت و بنا
خبرش زنده باد کمون خیابانها
را تماماً بارگاد بندی نمود.
در این درگیریها دهها هزار
نفر از قهرمانان کمون در خون
غلطیدند و آخرین دسته از
رزمندگان آن در قریستان "یرلاشز"
کنار شهر پاریس تا آخرین نفر
و گلوله جنگیدند و سرانجام استوار و
دلاورانه در پای دیوارهای
کهنه آن تیرباران شده و با
وفاداری به آرمانهای طبقاتی
کمون قهرمانان جاودانسه
جنبش طبقه کارگر جهانی گردیدند.

در یکصد و چهاردهمین
سالگرد برقراری اولین حکومت
کارگری جهان، یاد دلاوریهای
کمون‌دها را زنده نگه داشته
و با گرامیداشت آرمانهای انقلابی
کمون پاریس در سبای ارزشمند
آنها بهمن‌شماران بخشی از نجارب
غنی پرولتاریای جهانی در راه
نیل به سوسیالیسم و کمونیسم
فرا راه مبارزه طبقه کارگر
ایران قرار دهیم.

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

مجلس واقعی یک کمونیست
روشنده راه رهائی طبقه کارگر
بود.

از میان رفتن نظام یکی از
زنده ترین کارهای جنبش
کمونیستی و مجربترین رفیق
بخش کارگری سازمان و از برجسته
ترین سازمانگوان محلی جنبش
کارگری میماند و با تأطیم یکی
از کارهای قدیمی سازمان،
رفیق که با این پایه جنبش
سلحشانه در سالهای...

دیکتاتوری شاه به سازمان پیوست
و بمشاوران یکی از دانشمندان
مناقصه طبقه کارگر و پیشکاران

جنبش کمونیستی همواره از
فعالترین رفقاء سازمان بود
و با سایر رفقاء از جنبه ها و
بخشهای مختلف تشکیلات که
موجود هر کدام از آنان بشماره
یکی از پایه های فعالیت عظیم
و سیاسی-تشکیلاتی سازمان
بسیار ضروری و لازم بود و واقعا
ضربه ششیم به سازمان صرف
این تدابیر و نه آخرین باری
بود که سازمان با این جنبش
رفقائی را در راه رهائی کارگران
و زحمتکشان و نیک به دگرانی
و سوسیالیسم از دست میداد.

ولی بی شک منتهای که
آنان از خود بر جای گذارند
رسم و آئینی را که جز سرانجام
به تهاجم آن قهرمانان دست
یازیدند و جاودانه و زنده
خواهد ماند و همواره انجام بخش
سلحشوران فدائی خواهد بود
که در صفوف مقدم به کار طبقه
می ریزند و در میان طبقه
کارگر و توده های زحمتکش هر
روز بر نفوذ سازمان خویش
استحکام می بخشند.

در سالگرد شهادت رفیق
کبیر احمد غلامیان لنگرودی
(هادی) رفیق نظام و رفیق
تأطیم از اعضای کارگر
سازمان و دیگر رفقای که
توسط رژیمان جمهوری اسلامی
در اسفند ماه ۶۰ به شهادت
رسیدند یکبار دیگر بر پیمان
خویش با کارگران و زحمتکشان
تحت متهم پای فشرده و نا
بر انداختن رژیم سرافکنده داری
حاکم بر ایران از مبارزه انقلابی
خود باز نخواهیم ایستاد.

پیمان می بندیم بین رفقای
پاکبازی که در فاصله ۲۳ تا ۲۵
اسفند ماه با استیواری در ابطان
و اعتقاد خود به روشن شدن
کارگران و زحمتکشان شهرت یافته

گرامی باد...

از صفحه ۲۲

توهم را دامن بزنند که
مزدوران رژیم توانسته اند ضربات
کاری و نابود کننده بر یکبار
سازمان وارد بیاورند و تلاش
مینمودند تا با هیاهوی
تبلیغاتی خود روحیه انقلابی
نیروهای هوادار سازمان و
کارگران پیشرو و انقلابی را در
هم شکنند.

هر چند سازمان بحر از
ضربات اسفند با قدری و
بازایی انجام درونی آشوب
اتکا به توده های زحمتکش
راه خود را از میان انبوه فشار
و سختی ها باز نمود و یکبار
دیگر این واقعیت را باثبات
رسانید که سازمان ما غیرقم
چنین ضرباتی که در طبع
حیات انقلابی اش بارها با آن
روپرو گشته است، رفته دار تر
از آن است و از عمق و وسعت
و تحرک توده ای آن جنبش
عظیمی برخوردار گشته است
و از انچنان منتهای قدرتش
مبارزاتی برخوردار است که چنین
ضرباتی و تبلیغات نمیتواند خلل در
تداوم حرکت قدرتش ایجاد نماید.

اما حقیقا براحتی نمیتوان
از کنار نتایج سنگین یکی از
صحنه های ترین ضربات گذشت.

از میان رفتن رفیق چمن
فدائی کبیر احمد غلامیان
لنگرودی، رفیق هادی از
اعضای کادر رهبری سازمان،
رفیق راستی که در راه نیک
به کمونیسم زندگی انقلابی
را وقف رهائی کارگران و
زحمتکشان نمود صفا ضربه
کسی نبود. رفیق که در
سخت ترین دوران حیات سازمان
پیروز بعد از ضربات وارده بر
کادر رهبری در سال ۵۵ و
شهادت رسیدن رهبر کبیر
سازمان حمید اشرف نقش
برجسته ای در سازماندهی مجدد
تشکیلات سازمان داشت و بسیار
اصلی حرکت سازمان را بر دوش
کشید، رفیق که با تعاضی وجود
پاکبازش در دوره انقلاب
شکل یافته بود و در سرخشی
و پیگیری شجاعت و از خود
گذشتگی ظاهر یک فدائی و

به مالی که سازمان ما
پس از تحمل ضربات اسفند ماه
۶۰ که ضربه به اسارت و شهادت
تعدادی از ارزشمندترین فعالین
سازمان از پایین ترین رده ها
تا سطح رهبری و انهدام و
تاراج بخش مهمی از امکانات
تدارکاتی، مالی و تبلیغاتی
تشکیلات تهران و از جمله
چاپخانه مرکزی سازمان گشت،
مجددا سر برافراشت و با اتکا
به ثبات قدم کمونیستی و سرخشی
انقلابی مدتها رفیق فدائی
در یکی از پر تلاطم ترین دوران
حیات خود، بعنوان تنها سازمان
مستقل سیاسی طبقه کارگر،
همچنان در رفیق سرخ دفاع از
مناقصه کارگران و زحمتکشان را
برافراشته نگه داشت و در پی کار
خونین خود علیه بنیان نظام
حاکمیت سرمایه داران و ستگران
در قلب بزرگ شهرها و کارخانه ها
زنجیرهای پولادین تشکیل و
سازماندهی را مستحکم نمود و
حضور خود را در عرصه های
مختلف تظاهرات، مبارزات
مداوم حفظ نموده و تداوم
بخشید.

واقعی که حتی سران مرجع
جمهوری اسلامی نیز بالاخره
از کتمان عاجز ماندند و
محبت زده، علنا و رسماً به
افتراق آن پرداخته و از خط
کمونیسم و فدائی دار سخن
دادند. همان جنایتکارانی که
تا چندی پیش و مخصوصا پس
از ضربات وارده بر سازمان در
اسفند ماه ۶۰ با استفسار از
دستگاههای تبلیغاتی خود و
با انتشار اسامی چندین تن
دیگر از رفقای سازمان چون
رفقا حیات امیدیان (اسکندر)
و مصطفی مدیری شانه چس که از
اعضای کشته مرکزی سازمان
بودند و در اولین ماههای
سال ۶۰ هریک در حین انجام
وظایف تشکیلاتی در محاصره
مزدوران رژیم دفاع سلحشانه
از خود برخاسته و شهادت
رسیده بودند و منظور اسکندری
یکی دیگر از رفقای سرکشت که
باسارت رژیم در آمده
و تا مدتها خبر رفیق از سرنشست او
در دست نبود، در کنار اسامی
رفقا هادی، نظام، کاظم، امیر،
جواد، عباس، حمید و خشیار،
خبر نابودی سازمان را میدادند
و با اتکا به لیست بلند بالای
تنظیمی خود سعی میکردند این

برخی

از صفحه ۲۲

آنکه تردیدی به خود روایدار و
و به زعم او:
از آنجا که بدین شک محتوی
آن با واقعیت‌های موجود مطابقت
دارد.

(کردستان ۱۰۲ تاکیدها از ما)
بی خاصیت نمی بیند که آمرادر
نشریه اثر منتشر نماید، از رادیویش
پخش کند و در عین حال حق سر-
گوشه انکار را نیز برای خود
محفوظ دارد چرا که "نوشته
یک گادر است" درست است
دوستان دسکرات! اما اتفاقاً
لکته اصلی در همین "واقعیت‌های
موجود در همین نوشته است که
به هم حزب دسکرات:
"با واقعیت‌های موجود مطابقت
دارند".

برای آن که خواننده
فاصله بین واقعیت‌های موجود
جنتی چپ ایران و "محتوای
واقعیت‌های موجود مطابقت
دسکرات با این واقعیت‌ها را
بهتر درک کند، ضروری بر این
نوشته خالی از لطف نخواهد
بود.

حزب دسکرات برای ترمیم
سناریوی خود در مورد چپ
ایران ابتدا با "درایت"
زاید الوصفی به عناصر تشکیل
دهنده چپ ایران پرداخته
می‌گردد:

"در ایران هر توجیه‌ای
نو خاسته‌ای که در ماههای اوایل
انقلاب... چند جلد پس
جزوه‌ای از کتابهای جلد سفید
را مطالعه کرده است... به
خود حق می‌دهد یا کلیت
صالح مربوط به دگرگونی‌های
اجتماعی... اظهار نظر
نماید... (عجب پندیده
حیرت‌آوری!) بی توجهی
این قدر از جوانان عیسن عا
از هر گهای فرهنگی و ملی مردم
و عدم اطلاع آنها از مستب...
(حقاً) صیت بزرگی است
آدم با چنین افشادی رو بسرو
باشد) و الگو برداری‌های
مکرر و انتزاعی آنها از انقلاب
اکبر (این یکی از همه بدتر)
مگر نه دوستان! و در عین
حال خطرناک) باعث شده است

که هر روز فاصله نیروهای
چپ با مردم و خواستهای آنان
فزون‌تر باشد
(کردستان شماره ۱۰۲)

عجب فاجعه‌ای! بسیار دردناک
است که این همه فاصله بین مردم
و چپ ایران (یا حزب
دسکرات و برنامه‌های آن
کدامیک؟ چون حزب دسکرات
معمولاً خود را جای مردم
می‌گذارد و بهتر بود بر همین
زمینه دوستان حزبی اندکسی
صراحت نشان می‌دادند (وجود
داشته باشد تصور را بکنند: یک
شیت جوان تازه به دوران رسیده
و کتاب جلد سفید خوانده، به
خود حق بدهند در مورد تمام
مسائل اظهار نظر نمایند و
با بی توجهی به هر گهای
فرهنگی و ملی مردم و الگو
برداری‌های نا بجا و خطرناک
و آن هم از انقلاب اکبر، چاه‌جا
از هنیت و ذهنیت حرف بزنند
و از تعمیق انقلاب و مبارزه
طبقاتی و پرولتاریا و غیره
سخن بگویند و این همه خاطره
سبز حزب دسکرات را به‌زارند، تا
این چنین بر آنف مجبور به
بیان "واقعیت‌های موجود" بشود
و بعد از چهار سال از فتوحات
خود در قلب سوکان و بر پشت
پام خور سازمان بیگار "حماه"
بشار، حقیقتاً محضل بزرگی
است. آدم باید از خیلی چیزها
از جمله بزرگی‌های ملی و فرهنگی
مردم آگاهی داشته باشد، الگو
برداری از انقلاب اکبر نماند
تا بتواند به عمق فاجعه‌ی بی‌سرم
حقیقتاً محضل بزرگی است ولی
بهتر است بر درک عمق صالیه به
همراه حزب دسکرات کمی جلوتر
پرویم و بر گوشه‌های دیگری از
"واقعیت‌های موجود" ایشان
نظری بیافزاییم:

برای نمونه سازمان چریکهای
فدائی خلق را در نظر بگیرید
(خواننده باید خوب حواسش را
جمع کند) در نخستین ماههای
پس از پیروزی انقلاب... این
سازمان بزرگ‌ترین پایه امید
بود، اما (خواننده عزیز از این
اما نباید بترسد، این اصلاً از
آن اماهای معروف است، امیدکی
تا مکه کن!) امروز ملاحظه
می‌کنید این سازمان چه ضرونت
غم‌انگیزی پیدا کرده است
(هاتنا براترها از ما)
ترازوی غم‌انگیزی است دوستان
دسکرات! شما بر نگارش این

ترازوی دست سوختل و اورویید
را هم از پشت بسته‌اید. خواننده
کردستان حق دارد شوکه هم
بشود.

یک شیت جوان بی تجربه و
کتاب جلد سفید خواننده و
کتب نوشته و پر دعا که آداب
و رسوم فرهنگی و ملی مردم را
نمی‌فهمد (انتشار از اسکان
تازه شده‌اند یا از مالک اجانب
به این آب و خاک نزول اجلال
شیرمیده‌اند) و از انقلاب اکبر
الگو برداری می‌کنند، فرق بین
"یک نفر کاسپار خورده پس" و
شیعه مذهب اعلی تم و یک نفر
خورده پوزبوی سن بطرز بزرگی
را نمی‌فهمد و مثل حزب
دسکرات از شمار ساله اقتصادی
در این زمینه (یعنی مقایسه
بین یک قبی و سن بطرز بزرگی)
نمی‌گذرند "عاشق مذهب
را در نظر نمی‌گیرند و آنرا
یک مسئله روحانی و کم اهمیت

قصدار" می‌کنند چه چیزی
بیشتر از این باید انتظار
داشت که از "پایه امید" به
صالحه با حزب دسکرات تبدیل
نشوند. شکرش را بکنند این
عده را انجام می‌دهند بعد
اسم خودشان را نمونست هم
می‌گذارند. واقعاً محضل
است آقایان! کونستپانکی
در دنیا پیدا می‌شود که از
کسار عاطف اقتصادی و...
بین خورده پوزبوی تناس و
بطرز بزرگی نگردند. لاجواب
این عاطف نفرت انگیز یا فشناری
کنند و عاطف مذهب را بصیت
عنوان عاطف روحانی و کم اهمیت
جلوه داده کنار می‌زنند و
از انقلاب اکبر الگو برداری کنند
و دم از تعمیق عینیت و مبارزه طبقاتی
به تحلیل عینیت و مبارزه طبقاتی
و در نتیجه آزار و اذیت
ایجاد دلگشویه برای حزب
دسکرات بوزازند. چه بسا
کمونستپانی به چه درد حزب
دسکرات می‌خورد، پسوای در
کوزه خیاب‌اند. نه تنها پایه امید
حزب دسکرات نمی‌توانند
باشند، بلکه پایه بازش هم
هستند که این همه او را
آزده اندازد. برای درک
این صالیه خوب است به خاطرات
تلیخ حزب دسکرات از این چپ
نظری ببندیم. زود راه روی
نباید رفت. در همین شماره کردستان
نصونه‌های روشنی از آن آورد
شده است.



بسرخی ملاحظات... در شرایطی که حزب دمکرات در مورد ساله ارضی، دهقانان زحمتکش و مصلح کردستان اسلام می کرد که:

شکی نیست که در هر حال کردستان ایران جز لاینفک ایران بوده و از هر نظر قوانین حاکم بر همه امور اجتماعی نمی تواند خارج از چهار چوب قوانین کلی کشور قرار گیرد. از این رو اقدامات افرادی (یعنی دهقانان زحمتکش) در جهت تقسیم اراضی متعلق به دیگران (چینی، قزاق ها و بزرگ مالکان، خواننده ها را باید ببیند که مجبور به توجه زبان حزب دمکرات هستیم) غیر از ایجاد اختلاف در منطقه (شمال) اختلاف بین دهقانان و قزاق ها) و به پیوند آوردن درگیریهایی خونین (چه صیتی) شره ای نخواهد داشت. چه با نصب و اجرای قوانین ارضی مطرح در شورای انقلاب [چینی و رژیم جمهوری اسلامی] و تشکیل شورای هفت نفری چینی قانون مذکور در شهرستان اقدامات این قبیل افراد (یعنی دهقانان انقلابی و حامیان چپ آنها) بلا اثر خواهد ماند.

(اعلامیه حزب دمکرات ۱۲/۱۲/۵۸)

این حضرات کتاب جلد سفید خوانده و بی توجه به متن فرهنگ و ملی مردم و قبل از همه همین شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران، با حمایت از شورای دهقانی روستای ارضی بلافی درست یک روز قبل از اعلامیه بالای حزب دمکرات یعنی ۱۵/۱۲/۵۸، به سه هادیه زمین های بزرگ مالکین صحنه می گذاشت و منتظر قوانین صوب شورای انقلاب رژیم جمهوری اسلامی و هیات های هفت نفره اعزامی نمی گشت و جمله به خرج می داد و بی خود و بی جهت صاحب زمینهای دیگران را تا بید می نمود و قبول خاطره نمیر حزب دمکرات البته نه در اسفند ماه ۵۸ بلکه در بهار و اوایل سال ۵۸، سرگرم ایجاد نوی کشتور بود علاوه بر الگو برداری در جشنین صادره زمینهای ارضی ملاغی دهقانان زحمتکش کردستان از دیواندره تا برادوست را نیز شرکت می داد. بی بینید این

چپ ها مخصوصا این نمونه سرور تاسف حزب دمکرات چقدر مشکلات برای حزب دمکرات تولید نموده است؟ ولی اگر مطالعه مقاله تحقیق انقلاب را اداه با هم می بینیم که این اواخر نیز همین چپ در دفتر خاطرات حزب دمکرات رد پای داشته است گیش گیش:

برای این چپ ها که با خیال آموده و به دور از چشم گزیده های رژیم در سایه امنیتی که در پاریس و استکهلم ولندن به سر می برند... ساله اساسی انحلال شورای ملی مقاومت است. از این رو حسب و روز سرگرم نوشتن تحلیل های آنچنانی و ناخشن به حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق هستند.

(مانجیا)

واقعا "صبر ایوب" می خواهد که آدمی وجود کمائی را تحمل کند که چنین اسائه ادبی را به صاحب دفتر تنها آترو نانهید دمکراتیک روا می دارند و حزب دمکرات تحمل عجیبی به خرج داده است. هرچند خود حزب دمکرات هم این اواخر همین شورای ملی مقاومت را که زمانی صابه امیدی بود، چندان جدی نمی گیرد و اخیرا "مجاهدین خلق" نیز علیر او را خواسته اند و حزب دمکرات متقابلا "قطبای شورای ملی مقاومت" را به لفظش بغضهده و در سر مقاله همین شماره کردستان گفته است که:

"آن نیروهایی که در شورای ملی مقاومت با هم همکاری دارند... برنامه روشن و مشترک را برای مبارزه قطعی در راه سرنگونی رژیم چینی برای خود تنظیم نکرده اند" (آن هم بعد از نزدیک به چهار سال؟ درست است دوستان دمکرات!) و "ما مقانسه افق چندان روشنی برای مقوط رژیم جمهوری اسلامی" در آتیه نزدیک به چشم نمی خورده و به سادگی آب پانی روی دست نه تنها شورای ملی مقاومت، بلکه چشم انداز سرنگونی رژیم هم ریخته است. ولی با این همه طی این سه سال و چند ماه گذشته تصور کنید حزب دمکرات با این چپ ها چه مشکلاتی داشته است که از یک سوی از هفت نخستین روزهای تشکیل شورای ملی مقاومت برنامه و بودجهت انرا

زیر سوالی بردند و تند و تند مظلوم ها و برناه های آن را به شلاق انتقاد می بستند و از سوی دیگر امروز بر خلاف حزب دمکرات دم از سرنگینی رژیم چینی و عدم تثبیت آن می زنند و به بدن هیچ گونه تاسف و واقعبینت های موجود صورت نظر حزب دمکرات را از نظر دور می دارند.

واقعا حزب دمکرات با نیندوی چپ عجیبی روبرو بوده و هست.

البته مثل اینکه دفترچه خاطرات حزب دمکرات (بغضه کادر قدیمی و با تجربه حزب دمکرات) در اینجا به پایمان می رسد، ولی دوستان دمکرات فکر نمی کنید این موجودات صودی، مخصوصا "همین سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران" تاریخچه و کارنامه ای غیر از تصورات شما دارد. تاریخهای که جدا آن ته انتشار کتاب های جلد سفید و ماسن و مکن آن ته استکهلم و لندن و پاریس بلکه قلب تهران و تبریز و اصفهان و کلا "سازمان ایران" قلب مبارزات کارگران ایران است؟ و واقعبینت های موجود چپ ایران چیزی غیر از واقعبینت های موجود در دفترچه خاطرات شماست؟ کارنامه ای که شما برای بر آوردن اهداف تبلیغی خود به ابداع آن دمکرات زیده اید، به دست تحریرات نمایانه

بمهر است خود واقعبینت های امروز چنین انقلابی کجریمنی ایران بشویند که چپ ایران با تاکیست بر روند رو به رشد جنبش توده ای و سازماندهی مبارزات توده ها و تاکیست بر جنبه های انقلابی حرکت کارگران و زحمتکشان به تحقیق انقلاب پرداخته است با حزب دمکرات با نسل جستن به قوانین صوب شورای انقلاب منتخب سمنس سر دسته جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی و هیات های هفت نفره و نمایان برنامه شورای ملی مقاومت و... به تحقی توده ها دامن زده است و واقعبینت که قضاوت در مورد آنها برای هر کسی که اندک آگاهی از مسائل جنبش انقلابی ایران به دست کردستان داشته باشد، امسری کاملا صبر و تردید ناپذیر است.

* مریوان *

در منطقه مریوان طی دو روز ضوالتی در اوایل بهمن ماه روستای ماسی بر مورد یورش مزدوران پایگاههای اطراف قرار می گیرد. در روز اول اهالی نسبت به این اقدام وحشیانه مزدوران رژیم دست به اعتراض می زنند. روز بعد نیز در حالیکه فرمانده پایگاه در جمع مزدوران بود اهالی زحمتکش مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. مزدوران با اعمال زور قصد داشتند که چند نفر از اهالی را دستگیر نمایند. که با اعتراض روستائیان روبرو شده و موفق به این کار نشدند.

اهالی در همین روز برای اعتراض به اشغال مدرسه روستا توسط پاسداران ارتجاع، به شهر مریوان رفته و میخواستند مزدوران آنها را تخلیه نمایند که این حرکت زحمتکشان روستا با ممانعت مزدوران روبرو می شود.

در همین منطقه مزدوران پایگاههای تازه آباد، چیدر، صوفی بله، تینال نیز بر اثر کجور مواد غذایی به انواع و اقسام فشارها متحمل می شوند تا مردم را وادار به تأمین آذوقه پایگاهها نمایند که با مقاومت مردم در قبال حرکت ارتجاعی خود روبرو می شوند.

* سردشت *

مزدوران رژیم که در غارت اموال و دسترنج زحمتکشان خلق کورد هیچ حد و مصلحتی نمی شناسند، در منطقه سردشت دست به غارت و جابجایی و سرقت خانه های که صاحبان آنها بعد از تهدیدات دولت عراق به بچران این شهر، به روستاهای اطراف پناه برده اند، زدند. مزدوران جاش و پاسدار حتی بر سر تقسیم وسایل غارت شده از خانه و گاشانه زحمتکشان باهم درگیر نیز شدند.

* ارومیه *

در روز ۲۵ اسفند ماه روستای "استار" در شمال کوردستان به

در صفحه ۲۰

اخباری از جنبش مقاومت توده های

از صفحه ۱

برای نابودی دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد از هیچ تلاشی فروگذار نگردید و مسدود می کنید بهر نحو ممکن در اراده زحمتکشان کوردستان خلل وارد ساخته و تسلط خود را بر جنبش توده ای تأمین نماید.

سواره و مقاومت در برابر ظواهر مختلف استکبری رژیم در کوردستان، در برابر تعدی و اعمال زور مزدوران، در برابر اختناق، دستگیری، شکنجه و زندان و اخذاتی مالی و خانه گردی و غیره همه حرکتی هستند که جلوه های مختلفی از پتانسیل انقلابی توده های زحمتکش خلق کرد و تدایم روحیات سواره جویانه آنان را بنمایش میگذارد.

ما در زیر قسمتی از اخبار مبارزات زحمتکشان کوردستان را درج می کنیم:

در ماههای گذشته زحمتکشان کوردستان به اشکال متنوعی علیه فشار و زور و سرکوب مزدوران جنایتکار رژیم به مبارزه برخاسته و با مقاومتی خود، دست به اعتراضات گسترده زده اند.

این اعتراضات که در شهرها و روستاهای اشغالی کوردستان صورت گرفته عمدتاً اشکال حرکتی آنها ناشی از واکنشهای انقلابی است که بر بستر یک شرایط عینی، در زندگی واقعی توده ها بازتاب اجتماعی یافته و زحمتکشان را در تقابل با مزدوران سرکوبگر قرار داده است.

توده های خلق کرد طی گذشت ۶ سال، با اراده استوار خود کلیه سیاستهای ارتجاعی و تدابیر ضد خلقی جمهوری اسلامی را با شکست مواجه ساخته اند، با این وجود رژیم

* بانه *

در شهر بانه مزدوران رژیم به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم پرداخته و از هیچگونه بی حرشی به آنان فروگذار نمی کنند و در اعتراض به همین رفتار مزدوران رژیم نیز روز ۲۵ بهمن ماه گذشته، مردم زحمتکش شهر بانه دست به تظاهرات زدند. اهالی بانه بختن محاذه های بازار و بانه شمار علیه مزدوران جاش که به چند زن در سطح شهری حرکت کرده بودند، حرکت در آمدند. این حرکت مزدوران را به وحشت انداخته و آنان بسوی مردم اقدام به تیراندازی کردند.

* بوکان *

در روزهای ۲۷، ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه مزدوران گروه ضربت بوکان روستاهای قادر آباد، بزنگ و کجیک و قهره کند را محاصره کرده به آزار و اذیت زحمتکشان این روستاها و خانه گردی و غارت اموال آنان پرداختند.

در روز ۳۰ فرورد بهمن مزدوران رژیم با حمله به روستای شیخان در منطقه مهاباد، دست به آزار و اذیت مردم زده، به غارت اموال آنان پرداختند.

* مهاباد *

عملیات تهاجمی پیشمرگان فدائی

و در هم کوبیدن پایگاه "هه وازه" در جاده بانام حردشت

از صفحه ۲۲

از پیشمرگان از نقاط دیگر مشرف به پایگاه با شلیک نارنجک انداز و سلاحهای سبک پایگاه را زیر آتش سنگین خود گرفتند. شدت آتش پیشمرگان بجای بود که مزدوران رژیم را سراسیمه ساخته و نتوان هرگونه گسار اعطای سرپی را از آنان طلب نموده بود. مزدوران با شلیک آرمی جی. و کالیر ۵۰ بصوی

در تاریخ ۱۰ اسفند ۶۲ دسته ای از پیشمرگان فدائی در ساعت ۹ شب پایگاه "هه وازه" را مورد حمله مسلحانه خود قرار دادند. پیشمرگان از فاصله نزدیک با موئکهای آر. پی. جی. و مسلسل، مگوت شب را در هم شکنجه و سنگرهای نگهبانی پایگاه را مورد تعرض دلیرانه قرار دادند. دومین دسته

سنگرهای پیشمرگان در صورت دفاع از خود برآمدند که با هوشیاری پیشمرگان و شلیک متقابل، تلاشهای آنان بی نتیجه ماند.

در این عملیات خسارات مالی و جانی فراوانی به مزدوران جمهوری اسلامی وارد آمد که از تلفات دقیق آن اطلاعی در دست نیست. پس از انجام عملیات پیشمرگان همگی سالم به محل قرارهای خود بازگشتند. مزدوران بنا به عادت همیشگی شان به مدت یک ساعت منطقه را با توپ و خمپاره کوبیدند که خساراتی به دنبال نداشت.

همانطور که صلاحه می کنید جدول عملیاتی این ماه از آنچنان آمار چشمگیری برخوردار نیست، لیکن ما به این دلیل به انتشار آن در این شماره عبادت می ورزیم که ابعاد تاثیرات مخرب درگیری های حزب و کومه له بر روی تحریک پیشمرگان قهرمان خلق کرد هر چه بیشتر روشن گردد تا هر کس که اندک تعلقی به این جنبش و آینده آن احساس می کند با مقایسه جدول این ماه با ماههای گذشته بر واقفیت تردید ناپذیر ضرورت برخورد مسئولانه با درگیری های کنونی حزب دمکرات و کومه له اقدام عاجل در جهت پایان دادن به آنها، توقف حاصل نموده، و از هر طریقی و به هر شیوه ای که می تواند گامی در جهت قطع این

درگیری های صرانگر بردارد.

نکته قابل ذکر این است که برخلاف آمار جدول زیر، که می باید اخبار عملیات پیشمرگان خلق کرد در تقابل رژیم را متعکس نماید، بدون تردید اگر قرار باشد جدولی از فتوحات دوجانبه حزب و کومه له در حملات به یکدیگر داده شود از طول و تفصیل به مراتب فراتری برخوردار خواهد گشت. به هر حال جدول زیر برخلاف همیشه و وظیفه اصلی خود که باید نمایانگر قدرت تهاجمی پیشمرگان قهرمان خلق کرد باشد، این ماه بیانگر افست نقصان این تهاجمات در اثر تشدید درگیری های حزب و کومه له، و تاثیرات زیانبار این درگیری هاست.

خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دمکرات
و کومه له بر گرفته شده است.

۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفندماه

عملیات پیشمرگه

۱۰	کمین و کنترل جاده
۱	مین گذاری
۷	مقابله در برابر یورش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	خلع سلاح پایگاه
-	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۰	حمله به یکاها
۳۳	جمع

تلفات دشمن

۲۰۵	کشته و زخمی
۳۴	اسرای دشمن
۱۹	خودرو منهدم یا محاصره شده
-	سلاحهای منهدم شده
۱۰ + ۵۴	مهمات منهدم شده
۴	شهادت پیشمرگه
۳	آهالی بی دفاع

غنائم بدست آمده

۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲	انواع نارنجک
۱	سی سم
۱۸۰۰	انواع فشنگ
۴۷	خضاب
۱۵	جک افزار انفرادی
-	کلاه اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۳	پیوستن فریب خوردگان

سهرگه و نویی پروتیه و دی شور شکیبازان دی گه لی کورد

بهار . . .

(ادامه)

نیروهای فعال جنبش انقلابی خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارگان متزلزل حاکمیت آن است.

جنبش انقلابی خلق کرد بدون تردید همچون سالهای گذشته در سال جدید نیز با قدرت هرچه بیشتر با تمامی مشکلات درونی این جنبش بیانگیز آرمانیهای انقلابی و دگرگانی خلق کرد و تکیه بر اراده پولادین آن خواهد بود. سال نو باید سال پیروزی های هرچه بیشتر برای پیشمرگان خلق کرد و سال مبارزه همه جانبه برای رسیدن به اهداف انقلابی دگرگانی خلق کرد و سال پیروزی برای یورش قطعی به پایگاه های نژادپرستانه حاکمیت جمهوری اسلامی باشد.

سال که اینست ما چهره سر سبز بهاری و با شور و شوق نهشت در هر دره بسراو بجای

انقلابی خلق کرد در شرایط کنونی جانی بر تلاش در جهت ایجاد یک اراده واحد و مترصد درونی در این جنبش برای مقابله با دشمن است و عطا به تفرقه و تشتت در درون آن به طور سهمی دامن میزند و موجبات یأس و انفصال در درون آنرا فراهم می نماید و چشم اندازهای واقعی این جنبش را در محدوده تنگ مانع گرومی خاص تیره و تاریک نمایند. شرط بنایان دادن به آنها گردن نهادن به ضروریات جنبش و التزام به حقوق و اصول دگرگانی است که امروز جنبش انقلابی خلق کرد در تجربه مبارزات عظمی خود به بهای شش سال مبارزه خونین بر آنها دست یافته است.

در حقیقت در گریه های حزب دگرگانی و کومه له مهم ترین مشکلی هستند که از سال کهنه به سال نو منتقل گشته است و شرط هر گونه گسترش آن جنبش پایان دادن به این درگیریها و منجمع نمودن بیشترین بخش

حیات خود بر طبیعت محصوره زمستان فائق آمده است و قدم به سرخه جهان گذارده است و خود بیان سبک پیروزی شش ساله زندگانی بر حساسات و پیوستگی هر چیز گشته است و نشانه آید و انقلابی زندگانی، سال که می باید آنرا به سال پیروزی هر چه بیشتر گیسو گیسو و همسوم نموده های زندگانی سر حکومت ارتش و رژیم جمهوری اسلامی و نظم حامی او بدل ساخت. سال که می باید در عرصه درونی جنبش انقلابی خلق کرد علیه هر گونه تشتت مبارزه و اتحاد را به پیش برد و آگاهی و عزم انقلابی را جایگزین عسرتوانه مقامات نظامی و پویشد تدبیر و پراهمند اف انقلابی دگرگانی مبارزه کوهی هر چه بیشتر پای فشرده.



طی عملیات پیشمرگان فدائی

ضربات مهلکی به مزدوران رژیم مستقیم در پایگاه به رده بوک وارد آمد.

روز ۱۹ اسفند پیشمرگان فدائی با طرحی دقیق و از پیش تعیین شده در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر، پایگاه "به رده بوک" واقع در پسمالای روستای "به رده بوک" را طی دو مرحله از سه نقطه مسلط مورد تهاجم بی امان خود قرار دادند. مرحله اول عملیات که با شلیک ملاحهای نیمه سنگین و آتش مسلسلای سنگ شروع شد، بتکسی ابتکار عمل را از مزدوران سلب نمود، سپس با آتش مستقیم دیگر از پیشمرگان ضرایب بیشتری به پایانه وارد آمد. مرحله دوم با شلیک ملاحهای نیمه سنگین آغاز شد و طی آن مزدوران که تاب مقاومت را از دست داده بودند، حین خزیدن در سرخه هایشان از نزدیک همدیگر سلاح پیشمرگان قرار گرفتند. در این عملیات ضرایب مهلکی به مزدوران وارد شد. مدتی پس از شروع عملیات، ملاحهای سنگین پایگاه آر. پی. جی.، کالبر ۵۰ و

دو تکیه سنگین، پیشمرگان را زیر آتش گرفتند. با این وجود پیشمرگان قهرمان فدائی تنها تاریکی هوا به عطیات خود ادامه دادند و ضرایب باز هم بیشتری به مزدوران درین پایگاه وارد آوردند و سرانجام پیروز شدند. همگی سالم به محل قرار خود بازگشتند. مزدوران رژیم که از عطیات پیشمرگان فدائی ضرایب زیادی را تحمل شده بودند، بسرای انتقام گیری فردای آنروز یعنی ۲۰ اسفند ماه ساعت ۱۱ صبح با گسیل گروه ضربت پایگاه نزدیک روستاهای "به رده لان" و "بوکل" قرار دادند با محاصره روستاهای مزدور پیشمرگیان را غافلگیر نمایند. پیشمرگان فدائی بمحض اطلاع از چنین توطئه ای آنرا خنثی و در ارتفاعات اطراف روستای "به رده لان" مستقر شدند. درگیری بین پیشمرگان و مزدوران رژیم از دو نقطه شروع شد. پیشمرگان

در زیر آتش آر. پی. جی و خمپاره مزدوران از مواضع خود دفاع نمودند و طی یک تلاشهای مداوم و بی درنگ، مزدوران را هرگز از مواضع خود رها نکردند. از آنجا که سبب تعدادی از این ضرایب، مزدوران پایگاه "به رده بوک" در نزدیکی منطقه سرخسری به شدت افتضاح، غلاینگ خود شناختند و روستای "به رده لان" و نقاط استقرار پیشمرگان را محاصره یاران نمودند. هیچگونه آمیختگی به پیشمرگان و آمیختگی به دفاع وارد نیامد.

سرانجام پس از یک ساعت درگیری شدید، مزدوران رژیم ناچار به عقب نشینی شده و به پایگاههای خود بازگشتند. این درگیری چندین نفر از مزدوران به هلاکت رسانید که بر اثر خمپاره باران شدید و بوف زیاد پیشمرگان نتوانستند تعداد و هویت دقیق آنها را مشخص نمایند.

پس از پایان درگیری، جنبش انقلابی دگرگانی خلق کرد سرگشته رژیم جمهوری اسلامی، سرقرار به جمهوری دگرگانی خلق کرد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان

اخباری از ۰۰۰ از صفحه ۱۷

محاصره مزدوران رژیم می‌اند. مزدوران بعد از پرخاشگری و اذیت و آزار مردم بی‌دفاع، آنها را در سجد ده جمع نموده و از آنها می‌خواهند تا بنسرای رژیم اسلحه بردارند. اهالی از همان ابتدا مخالفت خود را با این خواست مزدوران اعلام می‌دارند که در نتیجه مزدوران برای تسلیم اهالی با ایجاد جو رعب و وحشت آنها را در سجد زندانی می‌کنند. زنان روستا جمع نموده و نسبت به این اقدام مترجمین دست به اعتراض می‌زنند. که با بی‌حرفی و عصبانیت مزدوران روبرو می‌گردند. زنان زحمتکش ضابطه با سنگ و چوب آنها را مورد حمله قرار می‌دهند و موفق می‌شوند با شکستن در و پنجره سجد اهالی را نجات دهند.

مزدوران بعد از این اقدام در هنگام بازگشت با اعتراض روستائیان زحمتکش روبرو شده و در زور خورده‌ای که بین آنان و مردم به وجود می‌آید شیشه‌ها ماشینهای آنها با سنگ و چوب شکسته می‌شود.

مردم قصد داشتند برای اعتراض به شهر سلطس بروند که با طاعت مزدوران روبرو می‌گردند. * * *

یانه

در ادامه اجرای طرح سرماز-گیری اجباری، رژیم حربه دیگری برای اضمحلال این سیاست ارتجاعی خود به کار گرفته است. رژیم به اهالی منطقه یانه اعلام داشته که جوانان شما می‌توانند در روستا باقی بمانند و در داخل روستا ها به عنوان انجام وظیفه سرمازی اسلحه رژیم را بردارند. هدف رژیم از این کار استفاده هرچه بیشتر از جوانان و بکارگیری آنان در خدمت اهداف سرکوشانه اش در کردستان می‌باشد. * * *

مروان

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی زحمتکشان روستای تینال را جمع کرده و از آنها خواستند به نفع رژیم اسلحه بردارند و سرماز برای اعزام به جبهه ها بدهند. ولی مردم زحمتکش این روستا با پاسخ ضعیف به این خواست ارتجاعی دست رد به سینه آنها زدند و مزدوران رژیم در مقابل مقاومت نموده ها عاجز

نقد

مزدوران رژیم برای انجام مقاصد شوم خود در این منطقه به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم زحمتکش پرداخته اند. این جنایتکاران تنها در زمینه اعمال سیاست ارتجاعی سرمازگیری اجباری اخیرا بیش از ۵۰۰ نفر از اهالی زحمتکش روستاهای اطراف نقیده را به پادگانها فرستاده اند تا آنان را به قلکاهای جنگ ارتجاعی اعزام دارند. اقدامات ارتجاعی مزدوران هنوز هم علیرغم هارزه و مقاومت نموده های زحمتکش منطقه ادامه دارد.

* * *

مانده و نتوانستند سیاست خود را اعمال نمایند.

لازم به یاد آوری است که این دوشین بار است که مزدوران رژیم تلاش می‌کنند که اهالی این روستا را وادار به تسلیم اجباری نمایند. ولی در ضابطه تسلیم از زحمتکشان این روستا مجبور به عقب نشینی می‌شوند.

* * *

مذاکره

از صفحه ۲

از طریق گلوله و کشت و کشتار هرگز امکانپذیر نیست، آنچه که مهم است و اهمیت دارد این است که آیا علیرغم تحلیل های متفاوت و درک های مختلف از مسائل و یکدیگر، نقاط اشتراك مهمی نیست برای يك زندگي سالم و آمیز بین این دو نیروی مهم جنبش انقلابی خلق کرد وجود دارد یا نه؟

ما بطور قطع اعلام می‌داریم هر نیروی که بخواهد بر این واقعیت با هر هدف و چشم اندازی پورده مانع بیفتد، سخت در اشتباه است. حزب دمکرات و کومه له با هر میزان اختلافاتی که داشته باشند، اگر اندکی به منافع جنبش انقلابی

خلق کرد و دستاوردهای انقلابی - دمکراتیک آن فکر نکنند، چنین آگاهی وجود دارد و يك ضرورت علمی نیز هست. درستی یا نادرستی این یا آن سیاست را سلبا نه حسن نیت این یا آن نیرو، بلکه منافع جنبش نباید می‌کند. سیاستی که بر ادامه این درگیری ها که حیاتی ترین منافع جنبش کنونی را امساج خود قرار داده اند پای می‌فشارده سلبا نمی‌تواند بعنوان يك سیاست درست و مسئولانه ارزیابی گردد.

از همین رو نیز اعلام شرط و شروط از سوی حزب دمکرات برای مذاکره با کومه له هیچ قسری اساسی با اتخاذ سیاست سکوت آن در برابر دعوت به مذاکره ندارد و ما به نوبه خود يك بار دیگر از حزب دمکرات می‌خواهیم با قطع فوری این درگیری ها و اعلام آتشبس، آمادگی بدون قيد و شرط خود را برای مذاکره

جهت دست یافتن به يك راه حل اصولی و دمکراتیک برای اختلافات بین خود و کومه له اعلام دارد. و از هرگونه تصور باطلی در زمینه این درگیری ها جدا می‌شود و به ضرورت عملی و عاجل کنونی جنبش پاسخ روشن و مشخص می‌دهد. و تنها از این طریق است که می‌توان از گسترش و ادامه درگیری های خونین حیزب دمکرات و کومه له اجتناب ورزید.

کمیته ملی مبارزه با رژیم پهلوی
کمیته تهران
پاسخ به انقلاب پاریس ۱۳۰۳

کمک مالی رسیده :

عمادقلی ۳۳۳
۱۰۰۰۰ تومان

★ گرامی بادیادشهادی اسفندماه

★ اسفند ۴۹: شهادت فدائیان
خلق محمد رحیم طائی و مهدی
اصحابی و فریدون نجف زاده

★ اسفند ۵۸: فدائی شهید
محمد عقیقی در کرمانشاه توسط
صورتجمین ربوده شد و پس از
شکجه های فراوان به شهادت
رسید.

★ اسفند ۵۸: شهادت فدائی
خلق داوود امیراحمدی که در
شهر تبریز مورد اصابت گلوله
پاسداران قرار گرفت و به شهادت
رسید.

★ اسفند ۵۵: شهادت فدائیان
خلق صبا بیژن زاده و بهنام امیری دو

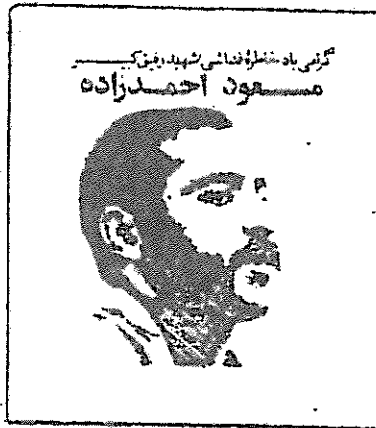
★ ۱۱۱۰ اسفند ۵۰: در سحرگاه
روز دهم و یازدهم سال ۵۰
یگاری فدائی خلق رفقا: صفور
و محمد احمد زاده و عباس و
امدالله طنائی، محمد توکلی،
محمد آریان، قلامرضا گلکری و
بهمن آوند، مهدی سولانی و
محمد اکرم حاجیان توسط مزدوران
رژیم شاه به جوفه های اعدام
سپرده شدند.

از صفحه ۶

فدائیس شهید رفیق محمد رضوی

بکسر پرداخت و خود نیز با وجود
ضیق مالی، یکی از دسترنجاش
را که از راه کارگری بدست می آورد
به بهمنگران تخصص می داد. بر
بستر تلاش آگاهانه رفیق به
شفاخت از نیروهای سیاسی به
پرنانه و مواضع سازمان آشنا
شد و در زمستان ۶۲ به صفوف
بهمنگران سازمان پیوست و از آن
پس نیز مدام در ارتقاء آگاهی
و توانا به پیش گام نهاد و در مدت
کوتاهی قابلیت های تحمیل برانگیزی
از خود نشان داد.

رفیق بهمن از نمایان رسانیدن
موفقیت آمیز دوره آموزشی در
صفوف بهمنگران فدائی سازماندهی



گرامی بادیادشهادی شهید رفیق
مهدی احمدزاده

★ اسفند ۵۲: شهادت
فدائی خلق مجتبی خرم آساری

★ اسفند ۶۱: در این
روز فدائی خلق ناصر نجم الدینی
با خوردن سیانور در زندان
منتدج به شهادت رسید.

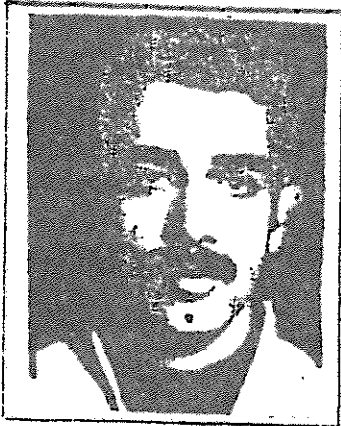
★ اسفند ۵۵: شهادت
فدائی خلق عبدالرضا کلاتسری
نیستاکسی

شد و با شرکت در چندین
مطیبات نظامی سازمان مسئولانه
وظایفش را به انجام رسانید و
سرانجام چون هم رزندگان
فدائی خلق، با وفاداری به
آرمان کارگران و زحمتکشان و
افتخار صبیق به آرمان ولای
سازمان که همانا رسیده به
رهائی، دمکراسی و مساوات
است، در درگیری بهمن ماه ۶۳
دمته ای از بهمنگران فدائی
با نیروهای سرکوب رژیم در
منطقه مکز تا آخرین گلوله به
قلب مزدوران شلیک نمود و خود
نیز آماج گلوله قرار گرفت و
قهرمانانه جان باخت و نسیم
اونیز چون هزاران جانباخته
دیگر راه رهائی کارگران و
زحمتکشان بر پرچم خونین سازمان
حک گردید.

یادش گرامی باد!

★ اسفند ۵۰: شهادت فدائیان
خلق مفاتیح طائی، علیرضا نایب له
رحیم امین نیا، جعفر اردبیلچی،
محمد تقی زاده، اضر مرزبان
فریدی، اکبر مهدی، طائی
نقی آرش و حسن سرکساری

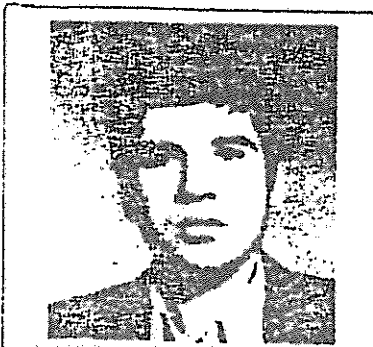
★ ۲۴ و ۲۵ اسفند ۶۰: طائی
درگیرهای بی دریغ رفقا:
هادی، نظام کاظم، عباس
(یعقوب شکراللهی)، امیر، حسین
خشیار و جوان به شهادت رسیدند



رفیق نظام

★ اسفند ۴۹: شهادت رفقا:
اسکندر رحیمی، هادی بنده خدا
لنگرودی، عباس دانش بهزادی، هادی
فاضلی، محمد علی حداد قدس،
احمد فرهودی، هوشنگ نمیری،
شجاع الدین شهیدی، ناصر صیف
دلایل صفائی، اسماعیل ممینسی
عراقی، حلیل انفرادی، علی اکبر
صفائی فراهانی، فتور حسن پوراصل

★ اسفند ۶۰: شهادت
بهمنگران رزنده فدائی رفقا:
تیمور ستاری، منصور سعیدی
احال طاهر خو، بهالدین شهادی
خسرو قره داغی، سیرور خرد بهمن



رفیق کاظم



گرامی بادیادشهادی به خون خفته خلق



بخش ملاحظات

تعمیق انقلاب و تحقیق توده‌ها

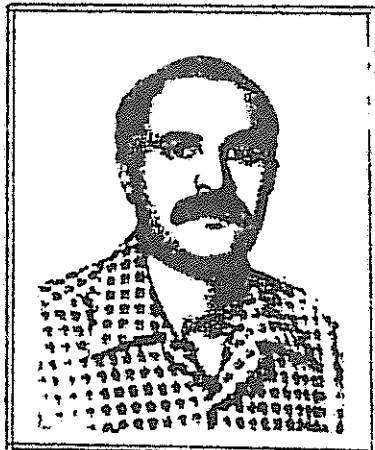
اخیراً حزب دمکرات کردستان ایران مقاله‌ای را تحت عنوان "تعمیق انقلاب در کردستان" شماره ۱۰۲ منتشر ساخته است که مطالبه این نوشته برای هر خواننده‌ای به‌ویژه از آن دو آموزنده است که علاوه بر آنکه شمای کاملی از استدلال و بحث و برخورد سیاسی به شیوه حزب دمکرات را به نمایش می‌گذارد، ضمن واقعی نقطه نظرات حزب دمکرات در مورد چپ‌ایران بطور کلی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بطور خاص را نیز آشکار می‌سازد.

حزب دمکرات که همیشه و در همه حال از برخورد صریح و مستقیم و مستدل در تمامی زمینه‌ها گریزان است، در سرلوحه این نوشته نیز برای به اصطلاح رفع شبهه (شاید از خودش) اعلام می‌نماید که:

نوشته زیر از سوی یک کادر قدیمی و با تجربه حزب برای کوردستان فرستاده شده است. البته از حق نباید گذشت که حزب دمکرات فقط در لحن آن در صفحه ۱۰

گرامسی یاد

خاطره شکوهمند شهیدای اسفند ماه ۱۳۶۰



فدائی کبیر رفیق
احمدغلامیان لنگرودی (هادی)
در صفحه ۱۴

رفقا، هادی، نظام، کاظم از اعضای کادر مرکزی سازمان

با فرا رسیدن ۲۵ اسفند صوبین سال از شهادت سه تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان، رفقا هادی، نظام و کاظم و تعدادی دیگر از کادرهای سازمان که همگی در جریان ضربات سال ۶۰ طی چند درگیری ضوایی و روبرویی با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قهرمانانه جنگیدند و جان باختند، به‌یاد می‌مانند.

۱۱ اسفند

سالروز شهادت فدائی خلق

رفیق کبیر
مسعود احمدزاده
و همزمان گرامسی یاد

۲۳ اسفند

یکصد و دویص سالگرد درگذشت

کارل مارکس
آمریکار بزرگ پروتاریای جهانی را
با استواری بر آموزه‌های او گرامسی
میداریم

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی در منطقه پانه

در آورند. پیشمرگان فدائی با استقرار خود در مکانهای از پیش تعیین شده به کمیسیون مزدوران تاختند. مزدوران رژیم بعد از اطلاع از حضور پیشمرگان در مسیر جاده جرات بیرون آمدن از پایگاههای خود را نداشتند. پیشمرگان پس از ۳ ساعت کنترل جاده با پخش اعلامیه و تراکت همگسی به محلهای خود بازگشتند.

* کنترل جاده

روز ۷ اسفند ماه ۱۳۶۰، دسته‌ای از پیشمرگان فدائی در ساعت ۳ بعد از ظهر جاده پانه - سردشت را به طول ۲ کیلومتر بین پایگاههای درامین و همواره به کنترل خود

صدای فدائی

صوت کوتاه و پنهانی

۶۵ ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

روز بعد

در صفحه ۱۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق